

ماهنامه تحلیلی و پژوهشی سیاست

هدایت

سال سیزدهم

سال ۱۳۹۲

شماره ۱۴۰-۱۳۹

فدا دلهای مردم را هدایت کرد و دقیقاً
امام خامنه‌ای (مدظله العالی):

حماسه
شد.

%



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

خرداد و تیر ۱۳۹۲

«هدایت»

«ماهنامه تملیلی سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسؤول: عبدالله داورزنی

سر دبیر: فردین عبداللہی

مدیر اجرایی: مهدی احمدی

مخاطبین: هادیان سیاسی

همکاران این شماره:

- ۱- حسین عبداللہی فر ۲- علی مرادزاده ۳- احد کریم خانی
- ۴- سید روح الله امین آبادی ۵- بهزاد کاظمی ۶- عباسعلی بیگدلی

شمارگان: ۷/۷۷۲

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۶ - ۳۳۲۳۹۶۷۳

پست الکترونیکی هادی (ایمیل): ssb۱۱۰@yahoo.com E-mail:

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ❁ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی می‌باشد، فلذا بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد، انتظار می‌رود هادیان عزیز ما را یاری فرمایند.
- ❁ انتقادات و پیشنهادات ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ❁ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ❁ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ❁ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

سفن هدایت

۱.....	
--------	--

کلام نور

۵.....	
--------	--

بفش سیاسی

۹.....	* تحلیلی بر یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و دستاوردهای آن.....
۱۹.....	* رویکردها و بایسته‌های پیش‌روی دولت یازدهم.....
۳۶.....	* رویارویی خط تردید و سازش با خط مقاومت.....
۴۱.....	* ریشه‌یابی حوادث ترکیه.....
۵۳.....	* تأثیرات جبهه مقاومت در پیروزیهای سوریه.....

اندیشه سیاسی اسلام

روابط و حقوق متقابل امام و امت در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی^(ره) ۶۱

بخش مفاهیم و اصطلاحات ۷۳

بخش پرسش و پاسخ ۷۹

ابعاد تحقق حماسه سیاسی

۲۴ خرداد سال ۹۲ در حالی گذشت که برگ زرینی دیگر در دفتر ملتی قهرمان ورق خورد، برگ زرینی که از سوی رهبر معظم انقلاب در ابتدای سال در پیام نوروزی به عنوان سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نامگذاری گردید. پیش بینی تحقق حماسه سیاسی مد نظر مقام معظم رهبری از زوایای مختلف قابل بررسی است که گذرا به بخشی از آن اشاره می شود:

۱- انتخابات مرحله یازدهم ریاست جمهوری به عنوان اولین انتخابات ریاست جمهوری پس از حوادث تلخ فتنه های سال ۱۳۸۸ برای دوست و دشمن دارای اهمیت بود. دشمنانی که با استفاده از ابزارهای رسانه ای از یک سو، سعی داشتند انتخابات برگزار نشود و از سوی دیگر، خط تحریم را دنبال می نمودند تا مانع تحقق حماسه بزرگ ماندگار تاریخ شوند. اما امت وفادار به نظام و امام در رویارویی با دشمنان تا دندان مسلح و مسلط به بنگاه های خبر پراکنی صهیونیستی و ابزارهای شیطانی، با دلی پر امید و پر نشاط وارد میدان شده و مشت محکمی بر دهان یاهو گویان استکباری زده و مدال زرین افتخار و



پیروزی را بدست آوردند که دوست و دشمن اینچنین حضوری را پیش بینی نمی کردند.

۲- تحریم های شدید و فلج کننده دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی علیه ملت مسلمان ایران به زعم دشمنان، فضای کشور را چنان سنگین کرده بود که در خیال خام خود گمان می کردند، این تحریمها ملت مسلمان و انقلابی را وادار به عقب نشینی کرده و دست از حمایت نظام خواهند کشید و انتخابات را تحریم خواهند کرد، غافل از اینکه ملتی که با مکتب امام^(ع) پرورش یافته و با امام خامنه ای میثاق بسته، با تجدید پیمان با آرمانهای شهدای گلگون کفن نه تنها در این صحنه بلکه در تمامی صحنه ها حاضر خواهند بود و کاری خواهند کرد کارستان تا بهت و حیرت جهانیان را فرا گیرد .

۳- مطلب آخری که تحقق پیش بینی حماسه سیاسی را سخت تر می نمایند، همزمان با تحریم های غرب به ویژه امریکای جنایتکار علیه ملت ایران اسلامی، بی تدبیری برخی از مسئولین باعث سخت تر شدن فضای اقتصادی و فشار مضاعف بر افشار مختلف جامعه شد. افزایش تورم، نوسانات قیمتهای ارز و کالا و سایر مشکلات اقتصادی خصوصا در اواخر ماه های منتهی به انتخابات دغدغه های فراوانی را برای مردم ایجاد کرده و فضای روانی و تشویش را در جامعه ایجاد کرد. اما ملت مسلمان، با ایمان به خدا و اعتماد به رهبری نظام و نگاه خوشبینانه و امیدوار به آینده ای روشن همه سختی ها را تحمل کرده و ضربه نهایی را چنان بر صورت دشمنان کوبیدند که هنوز هم از شوک این ضربه سهمگین نتوانستند به در آیند.

الحمدالله که به فضل الهی مردم حماسه آفریدند، حال منتخبین و مسئولین آینده در برابر مردم وظایفی دارند که به عنوان مطالبات مردم از کلام رهبر معظم انقلاب بازگو می شود:

اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی، اعتقاد به مبانی دین اسلام و انقلاب اسلامی، راه و خط رهبر کبیر انقلاب، انقلابی بودن و قانون اساسی از اصول لازم خدمتگزاران آینده باید باشد. از انتظارات دیگر امت اسلامی مرزبندی روشن و مشخص با دشمن، تلاش برای پیشبرد اهداف انقلاب، اسلام و مردم، پایبندی به ارزش‌ها، عدالت محوری و مخالفت و مبارزه با فساد و دفاع از حقوق محرومان از جمله مواردی است که رهبر معظم انقلاب به عنوان انتظارات برای رئیس جمهور منتخب برشمرده‌اند.

همچنین معظم‌له اقتصاد را مسئله‌ی اصلی کشور دانسته که اگر ملت بتواند اقتصاد خود را رو به راه کند، دشمن در مقابله ملت ایران بی دفاع خواهد ماند. و با اشاره به مشکلات اقتصادی کشور از جمله تورم و گرانی در خصوص رئیس‌جمهور آینده فرمودند: «حلال این مشکلات باشد، این گره‌ها را هم باز کند؛ که آرزوی ملت ایران است.» (حرم مطهر امام، ۱۴/۳/۹۲)

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک الگو باید در سرلوحه فعالیت‌های اقتصادی قرار گیرد. دشمن با تحریم و فشارهای اقتصادی گوناگون سعی کرد مردم را از میدان خارج کند، اگر چنانچه حرکت عظیم اقتصادی مورد توجه قرار بگیرد، همه‌ی این فشارها خنثی خواهد شد لذا فرمودند: «سیاست‌های اقتصادی باید سیاست اقتصاد مقاومتی باشد. یک اقتصاد مقاوم باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد بتواند ایستادگی کند این چیزها لازم است»

توصیه دیگری که مقام معظم رهبری برای رئیس‌جمهوری که می‌خواهد این کشور بزرگ را اداره کند، این است: باید تهذیب اخلاقی داشته باشد؛ به حواشی نپردازد. برای مردم هزینه درست نکند، مشکل درست نکند، دغدغه‌آفرینی نکند، مردم را دچار تشویش و نگرانی نکند؛ به وعده‌ی که می‌دهد عمل کند. (۱۳۹۲/۰۲/۰۷)

و دست آخر اینکه انتظار این است دولت آینده با توجه به فرمایشات

حضرت آقا که خواست همه‌ی مردم است انشاءالله اینگونه عمل کند: عمل با عقل و درایت، برنامه محور، پشتکار و ثبات قدم، مدیریت اوضاع کشور، باز نگذاشتن دست کسان و اطرافیان خود و در سیاست خارجی منافع ملت را بر منافع بیگانگان ترجیح دهد.



حضور حماسی، مظهر مردم سالاری دینی

حماسه حضور؛ باطل السحر بافته ها و گزافه های

دشمنان

صحنه ی حماسی و پرشور انتخابات در روز جمعه ی ۲۴ خرداد، آزمون خیره کننده ی دیگری بود که چهره ی مصمم و پر امید ایران اسلامی را در معرض نگاه دوستان و دشمنان نهاد. رشد فزاینده ی سیاسی و پای فشردن بر مردم سالاری دینی صادقانه، حقیقت تابناکی است که با حضور متراکم شما در پای صندوق های رأی، یک بار دیگر در عمل به اثبات رسید و باطل السحر بافته ها و گزافه های دشمنان و حسودان و طمع ورزان شد.

حماسه حضور؛ پیوند مستحکم ایران و ایرانی با

نظام اسلامی

حماسه ی حضور شما پیوند مستحکم ایران و ایرانی را با نظام اسلامی به رخ همه ی بدخواهانی کشید که با صد ترفند سیاسی و اقتصادی و امنیتی در پی گسستن یا سست کردن این اعتماد و پیوند مقدس اند.

حماسه حضور؛ مواجهه‌ی متین و خردمندانه‌ی ایرانی مومن و غیور با جنگ روانی بازیگران سلطه و استکبار

ایرانی مومن و غیور در انتخابات دیروز، ظرفیت عظیم خود را در مواجهه‌ی متین و خردمندانه با جنگ روانی بازیگران سلطه و استکبار، با زیبایی و چیره دستی هر چه تمام تر به تصویر کشید و کشور خود و منافع ملی خود و آینده پر تلاش و امیدوارانه خود را بیمه کرد.

حماسه حضور؛ پیروز حقیقی ملت بزرگ ایران در انتخابات

پیروز حقیقی انتخابات دیروز ملت بزرگ ایران است که به حول و قوه الهی توانست گامی استوار بردارد و گوهر نفوذناپذیر و چهره‌ی پرنشاط و مصمم و دل سرشار از امید و ایمان خود را به نمایش بگذارد.

حماسه حضور؛ پایان رقابت و آغاز رفاقت

اکنون که حماسه‌ی سیاسی و نقطه اوج آن در جمعه‌ی بیست و چهارم خرداد با پیروزی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی به سرانجام رسیده است، هیجان و التهاب روزها و هفته‌های رقابت، باید جای خود را به همکاری و رفاقت داده و طرفداران نامزدهای رقیب در آزمون بردباری و متانت و دانایی نیز جایگاه شایسته‌ی خود را به دست آورند. هیچ احساسی، چه شادمانی و چه ناشادمانی، نباید کسی را به رفتار و گفتاری دور از شأن خردمندی و فرزاندگی وادار کند. نگذارید بدخواهان، احساسات مردم را ابزار خواسته‌های پلید خویش کنند. وحدت ملی و رفق و مدارا پشتوانه‌ی امنیت کشور و خنثی کننده‌ی ترندهای دشمنان است.

حماسه حضور؛ کمک و همکاری صمیمانه با رئیس جمهور منتخب

رئیس جمهور منتخب، رئیس جمهور همه‌ی ملت است. همه باید برای دست یافتن به آرمانهای بزرگی که رئیس جمهور و همکاران وی در دولت،

متعهد و مسئول تحقق آنند، به آنان کمک و با آنان همکاری صمیمانه کنند.

حماسه حضور؛ نوبت کار و اقدام پس از گفت و شنودها

اکنون پس از هفته‌ها گفتن و شنودن، نوبت کار و اقدام است. رئیس‌جمهور منتخب، تا روز پذیرش رسمی مسئولیت، دارای فرصت ارزشمندی است که شایسته است بیشترین بهره از آن برده شود و کارهایی که شروع مسئولیت خطیر ریاست جمهوری، بدان نیازمند است، بی درنگ آغاز گردد.

حماسه حضور؛ نقش آفرینی دیگر نامزدهای ریاست جمهوری در عرصه های گوناگون انقلاب و نظام اسلامی

تحقق حماسه‌ی انتخابات، بدون شرکت و رقابت و تلاش دیگر نامزدهای ریاست جمهوری امکان‌پذیر نبود. لازم می‌دانم از همه شخصیت‌های محترمی که پای در این میدان نهاده و با تلاش خستگی ناپذیر خود، صحنه‌ی مسابقه‌ای شورانگیز را آفریدند، صمیمانه تشکر کنم و آنان را باز هم به نقش آفرینی در عرصه‌های گوناگون انقلاب و نظام اسلامی فرا بخوانم.

حماسه حضور؛ ایفای نقش مراجع، علما، نخبگان دانشگاهیان، مجریان و آحاد ملت

لازم می‌دانم از همه‌ی آحاد ملت که این بار نیز حادثه‌ای ماندگار خلق کردند، بویژه از حضرات مراجع معظم و علمای اعلام و نخبگان دانشگاهی و سیاسی و فرهنگی که در ترغیب به مشارکت، نقش‌های ارزنده ایفا کردند، و نیز از دست اندرکاران برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستا به‌ویژه وزارت کشور و شورای محترم نگهبان که زحمات طاقت فرسای این هفته‌های پرکار را صبورانه تحمل کردند و با امانت کامل، این بار سنگین را به سرمنزل رساندند، و نیز از مأموران پر تلاشی که امنیت این پدیده‌ی

حساس را در کشوری با این وسعت، تا اقصی نقاط آن، تضمین کردند و همچنین از همه‌ی دستگاههای همکار آنان، صمیمانه تشکر کنم و اجر وافر الهی را برای آنان مسألت نمایم.

حماسه حضور؛ نقش رسانه‌ی ملی

لازم میدانم به شکل ویژه از رسانه‌ی ملی و دست اندرکاران محترم آن که شور انتخابات را رهین تلاش هنرمندانه و مبتکرانه‌ی خود ساختند و راوی صادق و صریح گرایش‌ها و اندیشه‌ها و هدف‌های نامزدان ریاست جمهوری شدند و چگونگی دست بدست شدن قدرت در نظام جمهوری اسلامی را، به شکل آشکار در برابر چشم جهانیان گذاشتند، تشکری بسزا و بلیغ کرده، اجر و توفیق آنان را از خداوند مسألت نمایم. (پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری ۲۵ خرداد ماه ۱۳۹۲)

تحلیلی بر یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و دستاوردهای آن



حماسه سیاسی سال ۹۲ با سرپنجه‌های قدرتمند ملت با بصیرت کشورمان در روز جمعه ۲۴ خرداد ماه شکل گرفت. این رویداد بزرگ سیاسی از جهات مختلف دارای چندان اهمیت بالایی است که مدت‌ها از سوی تحلیل گران سیاسی مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. یکی از این جهات مهم، واکاوی درس‌ها و عبرت‌ها و بازشماری دستاوردهای آن در ابعاد درونی و بیرونی است. بر همین اساس در این نوشتار برآنیم تا جنبه‌های مثبت انتخابات خرداد ۹۲ را تحت عنوان «دستاوردهای انتخابات ۹۲» از دو جهت «مشارکت گسترده مردم» و از حیث «نتیجه و گزینش ملت» مورد اشاره قرار دهیم:

دستاوردهای انتخابات از حیث مشارکت

گسترده مردمی

حضور بیش از ۷۲ درصد مردم کشورمان در پای صندوق‌های رأی در شرایطی که دشمنان انقلاب اسلامی



به افزایش فشارهای اقتصادی روی آورده تا اراده ملت در حمایت از نظامشان را سست نمایند، دستاوردهای زیادی به همراه داشت که در سه سطح می‌آید:

الف) سطح داخلی:

۱- مقابله با راهبرد کاهش مشروعیت سیاسی نظام از طریق

ناکارآمدی:

یکی از ابعاد مقابله هوشمندانه کاخ سفید با جمهوری اسلامی ایران سیاست کاهش مشروعیت سیاسی از طریق بحران ناکارآمدی و ایجاد تنگناهای اقتصادی برای شرایط فعلی می‌باشد. سیاستمداران آمریکایی چنین تصور می‌کردند که تشدید فشارهای اقتصادی در شرایط فعلی نخستین اثر و بروز خود را در تعداد مشارکت کنندگان انتخابات ۹۲ نشان خواهد داد. اما حضور بیش از ۷۲ درصد مردم در پای صندوق‌های رأی به نسبت آخرین انتخابات پیش از تحریم‌ها که مشارکت ۶۵ درصدی را در پی داشت بیانگر ناکارآمدی این راهبرد غرب در قبال نظام اسلامی است.

شکست پروژه کاهش مشروعیت سیاسی نظام به اندازه‌ای واضح و آشکار بود که سایت‌های ضد انقلابی نیز به اعتراف نمایند. چنانچه سایت گویا نیز در مطلبی با عنوان «رهبر هوشمند ایران بزرگترین برنده انتخابات» نوشت: «نظام جمهوری اسلامی برنده انتخابات بود. برگزاری انتخاباتی سالم و بی مسئله که همه جناح‌ها نسبت به سلامت آن معترفند نه تنها بار دیگر اعتماد مردم به نهاد انتخابات در جمهوری اسلامی را احیا کرد بلکه بر ذخیره مشروعیت دموکراتیک نظام جمهوری اسلامی به نحو محسوس و کم سابقه افزود. این انتخابات شکست مطلق پروژه مشروعیت زدایی از جمهوری اسلامی بود.»

۲- تحقق حماسه سیاسی و شکل‌گیری زمینه حماسه اقتصادی:

رهبر معظم انقلاب با درک راهبرد غرب در شرایط فعلی از نخستین روز

سال نام شعار سال ۹۲ را حماسه سیاسی برگزیدند تا با استفاده از ظرفیت بزرگترین رخداد سال ضمن برملا ساختن اشتباه محاسباتی غرب در خصوص میزان مشارکت مردم در پای صندوق‌های رأی در واقع باطل السحر بافته‌های دشمنان انقلاب اسلامی را طراحی نموده و نقشه راه خود را جهت حماسه اقتصادی طراحی و به مورد اجرا گذاشت. امید است دولت آینده با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری بتواند از ظرفیت حداکثری منابع انسانی و امکانات کشور در راستای خلق حماسه اقتصادی موفقیت‌های لازم را کسب نماید.

۳- تحکیم ثبات سیاسی و مردم سالاری دینی:

یکی از مهمترین دستاوردهای انتخابات ۹۲ را باید تجدید بیعت مردم با نظام اسلامی و نمایش بصیرت سیاسی مردم مسلمان ایران به جهانیان دانست. ملت بصیر ایران با حضور حداکثری و خلق حماسه سیاسی بار دیگر نشان دادند که پارادایم تصمیم‌گیری شان بر مبانی دینی و معنوی استوار گردیده و با اعلام پشتیبانی مجدد خود از نظام اسلامی، پایه‌های مردم سالاری دینی را در کشور استحکام بخشیده و ثبات سیاسی را با افزایش مشروعیت سیاسی نظام در شرایط تهدید اقتصادی تضمین نمودند.

ب) سطح منطقه‌ای:

۱- تثبیت نقش الگویی کشورمان برای کشورهای جهان اسلام:

از جمله اهداف غرب در شرایط فعلی که کشورهای جهان اسلام در دنیای بیداری اسلامی به سوی کاهش پایگاه‌های آمریکا در منطقه گام بر می‌دارد، کمرنگ کردن نقش الگویی جمهوری اسلامی به عنوان مرکزیت الهام بخش این بیداری می‌توانست تأثیر معکوسی بر روند آن داشته باشد. لکن شکست ناپذیری و حضور پررنگ مردم در خلق حماسه سیاسی و اطاعت از ولی فقیه می‌تواند تأثیر تشدید کننده بر فرآیند بیداری اسلامی داشته و صحنه جدیدی از محصول حضور میلیونی مسلمانان در عرصه سیاسی و

پایبندی به محوریت رهبری را به نمایش درآورد. با توجه به اصل خلأ الگوی مردم سالاری دینی در نظام جهانی، روند بالنده نظام اسلامی و تجدید حیات آن در هر عرصه سیاسی می‌تواند الگوی الهام بخشی برای خیزش مسلمین علیه طواغیت منطقه باشد.

۲- تقویت جبهه مقاومت و تسریع در روند پیروزی مردم سوریه:

یکی از دستاوردهای بارز حماسه سیاسی مردم ایران در شرایطی که غرب به یمن میدان داری برخی از نظام‌های سکولار منطقه شرایط سیاسی را در آستانه بحران امنیتی و نظامی قرار داده و قصد دارد از طریق گروه‌های تروریستی کشورهای اسلامی را وارد جنگی ایدئولوژیک نماید، تقویت جبهه مقاومت و ایستادگی مردم سوریه در مقابل گروه‌های تروریستی مزدور غرب می‌باشد. این در حالی است که دستگاه رسانه‌ای غرب به صراحت پیروزی احتمالی برخی از کاندیداها در جمهوری اسلامی ایران را مقدمه سقوط دولت سوریه وانمود کرده و قصد بهره برداری از روند معکوس از انتخابات را جهت آماده سازی افکار عمومی علیه اسد را داشتند، لکن نتایج انتخابات ۹۲ این توطئه شوم را برملا و موجبات تقویت جبهه مقاومت و تسریع در روند مردم سوریه را فراهم ساخت.

۲- شادی دوستان و ناکامی دشمنان انقلاب اسلامی در منطقه:

در شرایطی که اغلب نظام‌های سیاسی جنوب شرق آسیا درگیر مسائل امنیتی و ناامنی‌های ناشی از فعالیت‌های خرابکارانه گروه‌های تروریستی نزدیک به غرب می‌باشد، حضور حماسی مردم پایه‌های امنیت منطقه‌ای نظام را افزایش یافته و دلگرمی دولت‌های بدخواه ملت ایران در سطح منطقه به بروز چالش سیاسی - امنیتی و تکرار فتنه را خاتمه بخشید.

ج) سطح جهانی:

۱- ناامیدی سیاستمداران غرب از تأثیر تحریم‌های اقتصادی:

مشارکت بالای مردم در انتخابات ۲۴ خرداد این پیام آشکار را به

تحلیلگران غربی مخابره کرد که سرمایه گذاری آنها جهت تشدید فشارهای اقتصادی با بن بست عملی مواجه شده و تأثیر محسوسی در عزم ملت ایران جهت پیشبرد مقاصد سیاسی به ویژه سیاست هسته‌ای نداشته و نخواهد داشت. عقلای غرب از جمعه حماسی ۲۴ خرداد دریافتند باید آبرومندانه به فکر تغییر ادبیات خود در برابر اراده ملت ایران بوده و تسلیم خواست ملت بزرگ ایران شوند.

۲- ناکامی غرب در وزن کشی هواداران گفتمان رابطه با آمریکا:

یکی از اهداف آمریکا از تشدید فشارهای به اصطلاح فلج کننده علیه کشورمان، وادار ساختن مردم ایران به سوق دادن تصمیم سازان نظام اسلامی به پای میز مذاکره با آمریکا بود. آنها در صدد بودند تا با ایجاد گفتمان کاذب مذاکره- عدم مذاکره اقدام به وزن کشی هواداران مذاکره نموده و به استناد آرائی که از نظر آنها خواستار مذاکره هستند اقدام به طرح مطالبات خویش نموده و آن را مبتنی بر خواست عمومی ملت وانمود نمایند. اما لیبک ملی به خواست رهبری نظام و حضور در پای صندوق‌های رأی مانع از شکل گیری این گفتمان گردید و مهار سیاست خارجی در دستان ولایت فقیه بطلان این سیاست شوم را به نمایش گذاشت.

۳- برملا شدن برنامه‌ریزی غرب جهت بی‌ثبات‌سازی سیاسی در

ایران:

از جمله اهداف آشکار آمریکا و غرب در جریان برگزاری انتخابات ۹۲ تلاش برای بی‌ثبات سازی سیاسی از طریق ایجاد تنش و چالش سیاسی و امنیتی بود که در راستای عملیاتی کردن آن مراحل هفت گانه انتخابات هدفگذاری شده و برای هر مرحله برنامه خاصی طراحی شده که با درایت و اقتدار نظام کلیه تنش‌های احتمالی برطرف شده و انتخاباتی با ضریب امنیتی بالا و به دور از هر گونه خلأ امنیتی برگزار گردید.

دستاوردهای انتخابات ۲۴ خرداد از حیث نتیجه

الف) دستاوردهای درون محیطی

۱- پایبندی نظام اسلامی به خواست مردم به رغم ادعاهای غرب:

گسترانیدن سفره انتخاباتی بدون حضور هیچ نامزدی از سوی نظام یکی از نشانه‌های واقعی بودن مردم سالاری دینی در نظام اسلامی است. نظام اسلامی به رغم همه ادعاهای واهی رسانه‌های تبلیغاتی دشمنان خارجی و تریبون‌های نزدیک به آنها در داخل ثابت کرده است به نتیجه انتخابات پایبند بوده و خواست مردم را هر آنچه که باشد پذیراست. این در حالیست که ادعای مهندسی بودن و غیر استاندارد بودن انتخابات در ایران و تلاش برای غیر آزاد خواندن نظام انتخاباتی ایران بارها و بارها در چند ماهه اخیر تکرار شده بود. اما نظام اسلامی نشان داد به اذعان دوست و دشمن یکی از دموکراتیک ترین انتخابات‌های دنیا را برگزار نموده و به مردم خود به عنوان تعیین کنندگاه اصلی سرنوشت کشور اعتماد لازم را دارد.

۲- مطالبه عمومی حفظ نظام ضمن تغییر وضع موجود:

نتیجه انتخابات نشان داد که مردم مسلمان ایران هر چند سال یکبار با حضور میلیونی خود به حفظ نظام اسلامی کمک کرده و در عین حال خواست خود جهت تغییر وضع موجود را دنبال می‌کند. اینکه شرایط کنونی مطلوب مردم نبوده و امکان تغییر وضع موجود با رویکرد به یک نامزد فراهم بوده، برای اغلب تحلیلگران سیاسی قابل پیش بینی بوده و کمتر کسی بر این باور بود که مردم با نامزدهای تداوم بخش وضعیت فعلی اقبال نشان دهند و نهایتاً پیروز این رقابت کسی نبود مگر فردی که احتمال بیشترین تغییر را برای اذهان عمومی تداعی می‌کرد.

۳- بطلان عملی کاهش اعتماد عمومی به نظام از سوی مدعیان

تقلب:

یک دستاورد بزرگ انتخابات اخیر به عنوان نخستین انتخابات ریاست

جمهوری پس از فتنه ۸۸، بیانگر واهی بودن اتهام تقلب و اعتماد عمومی به سازوکارهای انتخاباتی نظام جمهوری اسلامی ایران است. حضور برخی از تئوری سازان تقلب در پای صندوق‌های رأی در واقع فریاد بلند ندامت سران فتنه از بی پایه و اساس بودن سناریوی تقلب و کاهش اعتماد عمومی محسوب می‌گردد.

۴- جداسازی جریان فتنه از جریان اصلاحات:

اقبال عمومی به شعار اعتدال در واقع آغازی بر پایان افراط گرایی مدعیان اصلاحاتی بود که در جریان فتنه ۸۸ جهت براندازی نظام اسلامی از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. ملت مسلمان ایران در جریان انتخابات اخیر با اقبال به گفتمان اعتدال، مشقت محکمی بر چالش گران مبانی دینی و انقلابی نظام اسلامی زدند و این جراحی بزرگ خواست رهبری نظام بود که میان فتنه گران و اصلاح طلبان معتدل و معتقد به اصول و ارکان حاکمیت اسلام، خطوط فاصل رعایت شود که این تفکیک سازی بدون هزینه، هوشمندانه و مقتدرانه صورت گرفت و دست فتنه گران برای همیشه از عرصه مدیریتی نظام کوتاه گردید.

۵- بهره مندی از برکات اجرای صحیح قانون:

رعایت مر قانون از سوی ناظران، مجریان و نامزدهای انتخاباتی نشان داد که اجرای قانون می‌تواند هزینه‌های بیهوده را کاهش داده و نمادی از دستاوردهای پابندی از قانون را نمایش درآورد. از این رو یکی از دستاوردهای انتخابات ۲۴ خرداد را می‌توان تثبیت نظام انتخاباتی مشروط به رعایت آن در وهله احراز صلاحیت ها، تمکین به تشخیص شورای نگهبان، پذیرش نتیجه انتخابات و محترم شمردن خواست مردم از سوی رقبای انتخاباتی است.

۶- برگزاری انتخابات با تبلیغات کم هزینه:

یکی از دستاوردهای انتخابات اخیر را می‌توان کاهش چشمگیر هزینه‌های

تبلیغاتی نامزدها دانست که این امکان با عنایت به میدان داری رسانه ملی تحقق یافت. این موفقیت ضمن کمک مالی به رقبای انتخاباتی و حامیان آنها و حفظ سرمایه ملی، هم به شناخت مردم مدد رساند و هم ملاکی ارزشمند را در اختیار مردم قرار داد تا ریخت و پاش و اسراف در هزینه‌های تبلیغاتی را دلیلی بر محبوبیت یک نامزد ندانسته و بلکه آنرا منفی تلقی می‌کنند. با عنایت به تذکر مقام معظم رهبری و بیان این مسئله به عنوان یکی از دغدغه‌های خویش، به نظر می‌رسد می‌توان این رویه را به شکل جدی تری در انتخابات‌های بعدی دنبال کرد.

۷- بطلان عملی دسته بندی جریان‌های سیاسی به چپ و راست

از منظر جریان شناسی، رویکرد مردم در این انتخابات به فردی که خود را مستقل معرفی کرده و ضمن وابستگی به جامعه روحانیت مبارز تهران، مورد حمایت اصلاح طلبان معتدل و میانه قرار داشت، بیانگر غلط بودن تقسیم بندی جریان‌های سیاسی به راست و چپ است. چرا که نه راست‌ها محافظه کارند و نه چپ‌ها افرادی فاقد اصول هستند. و مشکل از همان روزی آغاز شد که عده‌ای خود را چپ نامیدند و طرف مقابل را راست، تا خود را مترقی نشان دهند و آنها را واپسگرا و متأسفانه عده‌ای این تقسیم بندی را پذیرفتند.

پذیرش این دسته بندی غیر واقعی در جریان چپ مذهبی سبب انحرافیدر مسیر آرمان‌های انقلاب گردید که برخی از چهره‌های شاخص آن رسماً خود را تجدید نظر طلب نامیدند و در این طرف هم عده‌ای برای فرار از ننگ محافظه کاری، بارها دست به تحرکاتی تحت عنوان جریان سوم زدند. اولین ضربه این تفکر به بدنه راستگراها در سال ۷۵ صورت گرفت که عده‌ای خود را در جمعیت دفاع از ارزشها قرار دادند و آیت الله ری شهری را در مقابل خاتمی و ناطق مطرح کردند. حرکتی که نتیجه قطعی آن شکست این جریان بود.

وقتی اصلاح طلبان پیروز شدند و اصول انقلاب را به حراج گذاشتند برخی

گفتمان اصولگرایی را پیش کشیدند و وارد عرصه قدرت شدند. با وصل کردن اصولگرایان بهراست مجدداً مشکل محافظه کاری گریبانگیر این جریان شد. عده‌ای مثل دولت رسماً از پذیرش عنوان اصولگرا خودداری کردند و برخی دیگر هم تلاش کردند تا خود را حداقل اصولگرای اصلاح طلب بنامند. در این میانه اما عده‌ای خود را اصولگرا تر از سایرین وصف کرده و راهی جدا در پیش گرفتند و هرچه به جلو رفتند، کمتر نتیجه گرفتند. این در حالی بود که هم به گفتمان اصولگرایی لطماتی جبران ناپذیر زدند و هم هزینه‌هایی را به نظام تحمیل کردند.

ب) دستاوردهای برون محیطی

۱- واهی بودن اتهامات غرب در خصوص غیردموکراتیک بودن

انتخابات در ایران:

دستگاه تبلیغاتی غرب که از مدت‌ها پیش از انتخابات با طرح استانداردسازی انتخابات در ایران، سعی در زیر سوال بردن نظام انتخاباتی کشورمان داشت و موضوع «انتخابات آزاد» به عنوان رویکرد محافل اپوزیسیونی نظام در قبال انتخابات خرداد ۹۲ اتخاذ گردید، با مشاهده نتیجه انتخابات متوجه خطای تکراری خود در خصوص جمهوری اسلامی شده و اشتباه محاسباتی دیگری را در کارنامه خود به ثبت رساندند. اشتباهی که متأسفانه به عنوان یک سیاست در دستور کار برخی از گروه‌ها و چهره‌های سیاسی داخل کشورمان هم قرار گرفته بود و اگر ارشادات و هشدار قاطعانه رهبر معظم انقلاب نبود بسیاری از کسانی که امروز با خرسندی از نتیجه انتخابات آنرا دمکراتیک‌ترین انتخابات‌های دنیا می‌خوانند، در دام این سیاست رسانه‌ای غرب و ضد انقلاب گرفتار می‌شدند.

۲- کاهش تنش در روابط خارجی:

شعار اعتدالگرایی نامزد پیروز انتخابات از منظر تحلیل گران غرب به مثابه

کاهش تنش در سیاست خارجی در پی خواهد داشت که به نوعی متفاوت از مشی دولت دهم خواهد بود. این تحلیل اگرچه به همان اندازه غلط تلقی می‌شود که سیاست خارجی دولت دهم را رادیکالی می‌خواند و هیچ‌گونه تغییری خارج از اصل عزت، حکمت و مصلحت در این عرصه صرفاً گمانه‌زنی ذهن تحلیل‌گران خواهد بود با این وجود رویکرد جدید غرب در قبال دولت آینده را می‌توان نوعی فرصت تلقی کرده تا خود در صحنه عمل به اشتباه خویش محاسباتی خویش پی ببرند.

۳- ناامیدی غرب در تغییر سیاست هسته‌ای:

مقامات کاخ سفید براین گمان بودند که مردم ایران سیاست متفاوتی نسبت به گذشته اتخاذ خواهند نمود و با ربط دادن مشکلات معیشتی خود به موضوع تحریم‌ها، به فردی رای خواهند داد که مخالف تداوم سیاست فعلی نظام در موضوع مذاکرات ۱+۵ باشد. لکن انتخاب مردم به فردی بود که تصریح دارد زمان تعویق و تعلیق سیاست هسته‌ای به سر رسیده و به چرخش همزمان اقتصاد و سانتریفوزها اعتقاد دارد.

رویکردها و بایسته‌های پیش‌روی دولت یازدهم^۱

اشاره:

دولت یازدهم با هر ترکیب و هر گرایش سیاسی با مجموعه‌ای از «باید و نبایدهایی» روبروست که ملزم به مراعات آنهاست. در این مجموعه مواردی وجود دارد که محترم شمردن آنها الزامی بوده و عبور از آنها از لحاظ حقوقی و سیاسی تخلف به حساب می‌آید. به این ارکان و موارد بنیادین «خطوط قرمز» گفته می‌شود.

وجود خطوط قرمز در همه سیستم‌های سیاسی موجود در جهان امری پذیرفته شده و تقریباً تصور دولت بدون خط قرمز غیر ممکن می‌باشد چه به آن تصریح کرده و چه نکرده باشد. خط قرمز از حیث معرفتی می‌تواند ریشه در باورها و اعتقادات یک ملت داشته باشد اما تا در قامت قانون در نیاید قابل رعایت نیست. خط قرمز در سلسله مراتب قانونی از ارزش بالایی برخوردار است اما بر نظام حقوقی تحمیل نمی‌گردد و امری فرا قانونی نیست بلکه خطوط قرمز در عالی‌ترین رتبه از انواع قوانین جای داشته که از آنها در عرف حقوقی به قوانین اساسی یاد می‌شود. از این‌رو می‌توان گفت که معمولاً جایگاه خط قرمز در قانون اساسی است.

خطوط قرمز نظام جمهوری اسلامی دارای منشاء متعددی از شارع مقدس تا میثاق ملی مردم و قوانین دولت - کشوری می‌باشد که در قانون اساسی احصاء گردیده است. با این توضیح ضروری که این مجموعه شامل دو دسته قوانین می‌باشد.

یکی مصوبات تغییر ناپذیر، دوم اصولی که امکان تغییر در آنها وجود دارد.

^۱ - عبداللهی فر دانشجوی دکترای علوم سیاسی

بدیهی است دسته اول همان خطوط قرمز نظام جمهوری اسلامی ایران هستند و هر گروهی که خواستار تغییر آنها باشد در واقع از خطوط قرمز عبور کرده است تغییر قوانین دسته دوم نیز نیاز به تمهیدات لازم و مراحل قانونی دارد که در قانون پیش بینی شده است.

از این رو، با توجه به عنوان نظام «جمهوری اسلامی ایران» برخی خطوط قرمز نظام را با اصول بنیادین گفتمان جمهوری اسلامی ایران مترادف دانسته و پیشنهاد می‌کنند از این اصطلاح به جای خطوط قرمز استفاده شود و تغییر در آنها خط قرمز تلقی می‌شود.^۱ این اصول عبارتند از:

- ۱- اسلامیت و آنچه مربوط به ایدئولوژی نظام اسلامی می‌باشد
- ۲- جمهوریت و هر آنچه که مربوط به ساختار نظام می‌گردد.
- ۳- ایرانیت و اصولی که با کیان نظام به عنوان دولت - کشور مرتبط می‌باشد.

نکته مهم در این رابطه این است که عبور از خطوط قرمزهای نظام شامل؛ اسلامیت و اصول تحکیم بخش آن در قانون اساسی و نهادهای مجسم کننده آن بویژه ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن یا جمهوریت نظام و قوانین و نهادهای مرتبط آن و همچنین استقلال و تمامیت ارضی کشور به سه روش امکان پذیر می‌باشد که عبارتند از:

الف) نقض؛ نقض عبارت است از اینکه فرد یا گروهی بدون تعرض به صحت قانون در عمل آنرا اجرا نمی‌کند که به جهت تخلف از قانون مجرم شناخته می‌شود.

ب) نفی؛ بدین معنا و مفهوم است که گروهی یا فردی در عمل و نظر قانون را فاقد اعتبار دانسته اما با اظهار نظر مخالف خود با آن موجب وهن آن و تشویش اذهان عمومی می‌گردد که اگر در عمل نیز تخلف از قانون نماید

^۱ - اصغر افتخاری، درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت های سیاسی، فرهنگ گفتمان مرکز بررسی

شامل بند نقض می‌گردد و در غیر اینصورت به علت تشویش اذهان عمومی مرتکب جرم قانونی گردیده است.

ج) نقد؛ نقد و انتقاد از قوانین عادی مجاز شمرده شده و جرم تلقی نمی‌شود اما در خصوص اصول بنیادین (خطوط قرمز) به جهت تبلیغ علیه مسلمات نظام جرم محسوب شده و بر اساس ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مشمول حبس از سه ماه تا یکسال می‌گردد. در ماده ۱۷ قانون احزاب نیز تصریح شده است هر گونه نقض، نفی یا نقد خطوط قرمز، احزاب و گروهها با کیفرهای تذکر، اخطار، توقیف، انحلال و محاکمه مجازات می‌گردند.^۱

خطوط قرمزهای دولت یازدهم

با عنایت به اینکه دولت آینده مانند همه دولت‌ها ملزم به رعایت سه اصل تغییرناپذیر در قانون اساسی کشورمان می‌باشد لذا می‌توان به مواردی تحت

^۱ - نقض عبارت است از اینکه فرد یا گروهی بدون تعرض به صحت قانون در عمل آنرا اجرا نمی‌کند که به علت تخلف از قانون مجرم شناخته می‌شود. نفی بدین معنا و مفهوم است که گروهی یا فردی در عمل و نظر قانون را فاقد اعتبار دانسته اما با اظهار نظر مخالف خود با آن موجب وهن آن و تشویش اذهان عمومی می‌گردد که اگر در عمل نیز تخلف از قانون نماید شامل بند نقض می‌گردد و در غیر اینصورت به علت تشویش اذهان عمومی مرتکب جرم قانونی گردیده است. اما نقد و انتقاد از قوانین عادی مجاز شمرده شده و جرم تلقی نمی‌شود اما در خصوص اصول بنیادین (خطوط قرمز) به جهت تبلیغ علیه مسلمات نظام جرم محسوب شده و بر اساس ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مشمول حبس از سه ماه تا یکسال می‌گردد. در ماده ۱۷ قانون احزاب نیز تصریح شده است هر گونه نقض، نفی یا نقد خطوط قرمز، احزاب و گروهها با کیفرهای تذکر، اخطار، توقیف، انحلال و محاکمه مجازات می‌گردند.

عنوان «خطوط قرمزهای دولت یازدهم» ذیل سه اصل؛ جمهوریست به عنوان ساختار و مظلوف نظام مردم سالاری دینی، اسلامیت و نهادهای مکمل آن به عنوان محتوی و مظلوف نظام اسلامی و ایرانیت و لوازم آن به عنوان ظرف سرزمینی که مردم ایران در آن مطابق با لوازم دولت - کشور شامل حق حاکمیت و تمامیت ارضی خویش اقدام به تشکیل دولت نموده‌اند، اشاره کرد:

۱- مذاکره با آمریکا بدون تامین منافع ملی

منافع ملی در را در چهار دسته زیر طبقه بندی می‌کنند: منافع فوق حیاتی، منافع حیاتی، منافع مهم و منافع حاشیه‌ای.

اگر چه ممکن است دولت‌ها بر سر منافع حاشیه‌ای خود به معامله بپردازند اما منافع فوق حیاتی و حیاتی از مواردی هستند که در زمره خطوط قرمز به حساب آمده و همه دولت‌ها موظف به مراعات می‌باشند.

حفظ استقلال و عزت ملی ایران و ایرانیان جزو منافع فوق حیاتی کشور به حساب آمده و به دولت‌ها اجازه داده نمی‌شود دست به اقداماتی بزنند که استقلال کشور را مخدوش و شرف مسلمانی را در معرض تهدید قرار دهد.

از جمله مصادیق عینی این مورد را می‌توان در موضوع رابطه با آمریکا جستجو کرد. اگر هر دولتی بخواهد با محاسبات خود بر سر میز مذاکره با آمریکا بنشیند و با کشوری که در خصومت آشکار با مردم ایران قرار داشته و از به رسمیت شناختن انقلاب اسلامی سرباز زده و تاکنون از طرق مختلف از جمله حمله مستقیم نظامی، راه اندازی جنگ هشت ساله از طریق کشور ثالث، حمایت از همه گروههای تروریست مخالف ایران و هدف قرار دادن هواپیمای مسافری ایران و دهها مورد دیگر، دشمنی خود را آشکار ساخته است، به انعقاد قراردادهایی بپردازد که معلوم نیست استقلال کشور و منافع ملی را تامین کند. بویژه اینکه در موضوع مذاکرات دوجانبه میان ایران و آمریکا یک طرف کشوری سلطه جو با ادعای رهبری واحد بر جهان قرار داشته که اینک جهت حفظ پرستیژ خود به میز مذاکره نیاز دارد و در طرف

دیگر کشوری مورد ستم امریکا که منشاء همه مشکلات خود را کاخ سفید دانسته و عزت خود را در گرو خروج از سلطه استکبار جهانی می‌داند. در این شرایط نابرابر هر گونه مذاکره با ایالات متحده منجر به برد طرفی می‌شود که به خود مذاکره نیاز دارد تا از لحاظ رسانه‌ای و تبلیغاتی چنین وانمود که جمهوری اسلامی ایران خود را ناگزیر به مذاکره با آمریکا دیده و پی برده است که نمی‌تواند بدون هماهنگی و همراهی آنها قادر به تامین منافع خود و ادامه حیات سیاسی نمی‌باشد.

بر همین اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی هر گونه مذاکره و رابطه با آمریکا در دولت یازدهم را در چارچوب خطوط قرمز نظام معرفی کرده و در ابتدای سال جاری فرمودند:

«تا کنون از سوی رهبری، هیچ کس با آنها مذاکره نکرده است. در چند مورد، در طول سالهای متمادی، در دولتهای گوناگون، کسانی بر سر موضوعات مقطعی — که ما هم مخالفتی نداشتیم — با آنها مذاکره کرده‌اند؛ اما مربوط به دولتها بوده است. البته همانها هم موظف بوده‌اند که خطوط قرمز رهبری را رعایت کنند؛ امروز هم موظفند و باید رعایت کنند.»^۱

۲- عدم پای بندی عملی به ولایت فقیه

عدم پای بندی به ولایت فقیه از دو جهت عبور از خط قرمز به حساب می‌آید.

یکی بر اساس اصل اسلامیت؛ از آن جهت که اساس مبانی نظری نظام جمهوری اسلامی بر سلسله مراتب ولایی مبتنی است و ولی فقیه مشروعیت خود را در این چارچوب دریافت می‌کند و با حضور خویش در راس این نظام، به آن مشروعیت می‌بخشد.

دوم از جهت اصل جمهوریت؛ در ساختار سیاسی هر نظامی و کشوری دو

^۱ - مقام معظم رهبری در نخستین روز سال در کنار مضجع شریف رضوی ۹۲/۱/۱

بخش تغییر پذیر و تغییر ناپذیر وجود دارد. در بخش لایتغیر هیچ تغییری امکان پذیر نبوده چرا که نوع نظام را متفاوت می‌کند. اما نحوه تغییر در بخش‌های تغییر پذیر را خود قانون اساسی تعریف و پیش بینی کرده است. از آنجا که در ساختار نظام جمهوری اسلامی و منشور ملت ایران، جایگاه ولایت فقیه به عنوان رهبری کشور تعریف شده و هر یک از قوا باید به نقش هماهنگ کننده رهبری تمکین کنند لذا عدم پای بندی عملی به ولایت فقیه هم نفی نظریه ولایت و هم نقض جایگاه رهبری محسوب می‌گردد.

لازم به ذکر اینکه نقد ولایت فقیه هم به عنوان رکن رکن نظام اسلامی هم جرم محسوب شده و تخلف شمرده می‌شود. چنانچه نقد و انتقاد از اصول بنیادین (خطوط قرمز) به جهت تبلیغ علیه مسلمات نظام جرم محسوب شده و بر اساس ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مشمول حبس از سه ماه تا یک سال می‌گردد. در ماده ۱۷ قانون احزاب نیز تصریح شده است هرگونه نقض، نفی یا نقد خطوط قرمز، احزاب و گروهها با کیفرهای تذکر، اخطار، توقیف، انحلال و محاکمه مجازات می‌گردند.

۳- بی توجهی به امنیت ملی

در هر سیستم سیاسی عبور از سه اصل، خدشه به امنیت ملی به حساب آمده لذا هریک از آنها خط قرمز به حساب می‌آیند. الف) ایدئولوژی سیستم، ب) ساختار و سازمان سیستم، ج) اهداف سیستم. از این نگاه هر گونه خدشه به اسلامیت نظام، قانون اساسی و آرمانهای نظام عبور از خط قرمزهای نظام به حساب می‌آید.

از این منظر اگر دولت آینده نتواند با کارآمدی خود به تحقق اهداف نظام اسلامی کمک کند و یا اهداف کوتاه مدت نظام را فدای اهداف بلند مدت و میان مدت نماید، زمینه کاهش ضریب امنیت ملی را بوجود می‌آورد. بویژه آنکه پشتوانه امنیت ملی در نظام‌های مردم سالاردینی «رضایت عمومی» است که افزایش آن ارتباط مستقیمی با کارآمدی دارد.

چنانچه دولت آینده در یک اشتباه محاسباتی کارآمدی خود را به مباحث سیاسی مرتبط کرده و بخواهد با برقراری ارتباطات خارجی و یا مذاکره با آمریکا به افزایش کارآمدی خود بیفزاید در واقع به افزایش تحریم‌ها کمک خواهد کرد. زیرا معقولانه نخواهد بود که غرب به دولتی امتیاز بدهد که با تابلو تعامل بیشتر با آمریکا به میدان آمده و یا ریشه مشکلات کشور را صرفاً به رفع تحریم منحصر کند اما اگر دولت بتواند با تدبیر و سیاست‌های مقاومتی به غرب تفهیم کند که از عهده حل مشکلات بر خواهد آمد، عاقلانه خواهد که غربیها در کاهش تدریجی و جلوگیری آبرومندانه از ناکارآمدی تحریم‌ها اقدام نمایند.

بدین ترتیب عدم اعتقاد به جهاد و حماسه اقتصادی و بی توجهی به مشکلات معیشتی جامعه از جمله خطوط قرمز امنیتی نظام تلقی شده و نارضایتی ملی ناقض امنیت ملی پایداري فرض شده است.

۴- قانون گریزی و عدم پای بندی به قوانین

عدم پای بندی دولت‌ها به قانون از جهات مختلف عبور از خط قرمز محسوب می‌شود. یکی اینکه بی توجهی به قانون اساسی به عنوان منشور ملی کشور که ضامن حفظ ساختار و محتوای نظام اسلامی است، عبور از خط قرمز جمهوریت به حساب آید.

از جهت دیگر عدم توجه به اسناد بالا دستی نظیر برنامه چشم انداز و برنامه‌های پنج ساله می‌تواند مسیر کشور را به سمت و سویی متفاوت از اهداف نظام هدایت کرده و از این جهت که اهداف را در چارچوب اصول تامین کننده امنیت ملی برشمردیم. عدم تامین اهداف نظام در واقع عبور از خطوط قرمز امنیتی به ساب می‌آید.

همچنین قوانین عادی که به عنوان یک مصوبه از سوی مجلس شورای اسلامی تبدیل به قانون می‌شود برای دولت لازم الاجراء بوده و عدم اجرای تعمدی و دراز مدت آن در واقع به اصل تفکیک قوا خدشه وارد کرده و نقض

خط قرمز جمهوریت به حساب می‌آید. چراکه اصل تفکیک قوا از اصول لایتغیر نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

۵- عدم انحراف از اهداف نظام اسلامی

انحراف از مسیر ملت و آرمانهای انقلاب اسلامی به دلایل امنیتی و کارآمدی عبور از خط قرمز به حساب می‌آید. علاوه بر این امروزه در شیوه‌های براندازی نرم نظام‌ها بر روش تحت تاثیر قرار دادن ارزشهای سیستم تاکید می‌شود. از این رو دشمنان انقلاب اسلامی در چارچوب جنگ نرم خود علیه نظام اسلامی از طریق اپوزیسیون مانع تحقق ارزشهای اسلامی و انقلابی گردیده و سپس مزورانه در قامت یک مطالبه‌گر علت عدم تحقق آنها را در افکار عمومی مورد پرسش قرار می‌دهد. لذا طبق اصل براندازی هنگامی رخ می‌دهد که حکومت نتواند ارزش‌های و آرمان‌های خود را تحقق بخشد در واقع به براندازی نظام اقدام می‌کنند. از این بدیهی است فاصله گرفتن دولت از ارزش‌ها یا منحرف ساختن مسیر آرمان‌های انقلاب، عبور از خط قرمز امنیت ملی محسوب می‌شود.

سوال اساسی در این رابطه این است که چگونه می‌توان از انحراف دولت‌ها جلوگیری به عمل آورد؟

با توجه به اینکه جنس انحراف در دولت‌ها از سه بخش بینشی، گرایشی و کنشی خارج نبوده و در رفتار و عملکرد، یا تعاملات و اخلاقیات و به تدریج در اعتقادات آنها متبلور می‌گردد، تنها راه مقابله با آن، عمل بر اساس مکتب حضرت امام^(ع) می‌باشد.

لذا رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید با هم دید، باهم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد سومی هم وجود دارد، که آن بُعد عدالت است.»

لذا از منظر رهبر معظم انقلاب تنها راه جلوگیری از انحراف تمسک به

شاخص امام^(ه) است. چنانچه می‌فرمایند:

«خطر وجود دارد. دشمن انقلاب، دشمن امام بیکار نمی‌نشیند؛ سعی می‌کند اینان قلاب را از پا در بیاورد. چه جور؟ با منحرف کردن راه انقلاب. بنابراین لازم است ما شاخص داشته باشیم. من عرض میکنم بهترین شاخصها، خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ماست.»

اما اینکه دولت‌ها چگونه باید عمل کنند تا بتوانند عامل به مکتب امام^(ه) بوده و دچار انحراف نشوند؟ مقام معظم رهبری در ادامه فرمایشات خود در سالگرد ارتحال حضرت امام در سال ۸۹ به نمودهای عینی ابعاد معنویت، عقلانیت و عدالت در مکتب آن بزرگوار اشاره فرموده‌اند که ذیلا برخی از موارد آن را جهت یادآوری به دولت آینده می‌پردازیم:

الف) مظاهر معنویت در مکتب امام^(ه):

۱- **اخلاق محوری**؛ خود او اهل رعایت اخلاق بود، دیگران را هم به اخلاق سوق می‌داد. بخش مهمی از معنویت در اسلام عبارت است از اخلاق، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوءظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دلها از یکدیگر. خود امام بزرگوار این چیزها را رعایت می‌کرد.

۲- **انتقاد پذیری و اعتراف به اشتباه**؛ ایشان، هم در نوشته‌های خود - بخصوص در اواخر عمر شریفش - هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به اینکه در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد. روح یک انسانی باید بزرگ باشد که بتواند یک چنین حرکتی را انجام دهد؛ خودش را منسوب کند به اشتباه و خطا.

۳- **اخلاص و توکل**؛ بنابراین مظهر مهم معنویت در رفتار امام، اخلاص او بود. برای خاطر تعریف و تمجید این و آن، حرفی نزد، کاری نکرد، اقدامی نکرد. آنچه که برای خدا انجام داد، به وسیله‌ی خدای متعال به آن برکت داده شد؛ ماندگار شد. خاصیت اخلاص این است. امام همین توصیه را به مسئولین

هم تکرار می‌کردند.

۴- ساده زیستی؛ امام خودش از این آفت بکلی برکنار ماند و مسئولین کشور را هم بارها توصیه میکرد که به کاخ‌نشینی و به اشرافیگری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند، با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند.

۵- یکی بودن سیاست و معنویت؛ مکتب سیاسی امام دارای شاخصه‌ایی است. ..یکی از خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست درهم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را با هم داشت و همین را دنبال می‌کرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه‌ی رفتارها و همه‌ی مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد.

(ب) مظاهر عقلانیت در مکتب امام^(ه):

۱- مردم‌سالاری دینی؛ اولین نمونه، همین گزینش مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور بود؛ یعنی تکیه‌ی به آراء مردم. انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیات بخش و نجات بخش او بود. از جمله‌ی مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند. مملکت صاحب دارد... امام به مردم تفهیم کرد که مملکت صاحب دارد و صاحب مملکت، خود مردم هستند.

۲- قانون‌مداری؛ یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. امام خبرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی، با انتخاب ملت اینکار را انجام دادند. اینجور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده‌ی ملت گذاشته شد. ملت خبرگانی را با شناسائی خود، با معرفت خود انتخاب

کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آراء مردم قرار داد و رفراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است.

۳- **اعتماد به نفس و خود اتکایی؛** یک مظهر دیگر عقلانیت امام، تزریق روح اعتماد به نفس و خود اتکائی در ملت بود. پیشرفتهای ما در زمینه علمی، در زمینه صنعتی، در انواع و اقسام عرصه‌های زندگی، معلول همین اعتماد به نفس است. امروز جوان ایرانی ما، صنعتگر ایرانی ما، دانشمند ایرانی ما، سیاست مدار ایرانی ما، مبلغ ایرانی ما احساس توانائی می‌کند. این شعار «ما می‌توانیم» را امام بزرگوار در اعماق جان این ملت قرار داد. این، یکی از مظاهر مهم عقلانیت امام بزرگوار بود.

(ج) مظاهر عدالت در مکتب امام^(۹)

۱- **رعایت انصاف؛** نگرانی اصلی من با این نوع برخوردها، رواج یافتن اخلاق بی انصافی در کشور است. خطر بزرگی است که در کشور اسلامی ایران، اخلاق اسلامی، انصاف، مروت و جوانمردی از عرصه سیاست و رقابتهای سیاسی رخت بر بسته و جای خود را به بداخلاقی، بی‌انصافی و نیرنگ و فریب کاری بدهد.

۲- **رسیدگی به محرومین؛** از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه‌ی بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخ‌نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید. به مسئولین اصرار داشتند که از اشرافیگری پرهیز کنند. (امام خامنه‌ای ۹۰/۳/۱۴)

۳- **مقابله با اشرافیگری و روحیه کاخ‌نشینی؛** از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه‌ی بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخ‌نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید. به

مسئولین اصرار داشتند که از اشرافیگری پرهیز کنند. (امام خامنه‌ای ۹۰/۳/۱۴)

۴- عدالت گستری؛ «در عدالت، هم عقلانیت باید مورد توجه باشد، هم معنویت. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار تو خالی، خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند اما چون معنویت و آن‌گاه معنوی نیست، بیشتر جنبه‌ی سیاسی و شکلی پیدا می‌کند. دوم عقلانیت، اگر عقلانیت در عدالت نباشد گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود ... در عدالت، عقلانیت شرط اول است.»^۱

معظم له با تاکید بر عقلانیت، معنویت و عدالت به عنوان ابعاد مکتب امام^(ع) می‌فرمایند:

«تکیه‌ی بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشانند، به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته‌ی کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارشان، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه‌ی وجود متوجه به بُعد عدالت بود.» (امام خامنه‌ای ۱۳۹۰/۳/۱۴)

رهبر معظم انقلاب اسلامی در خاتمه این بحث به مواردی از انحراف در نتیجه ترجیح هر یک از این مبانی سه گانه بر یکدیگر اشاره نموده و می‌فرمایند:

(یک) عدول از ارزشها به نام عقل گرایی:

«اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل گرایی، از ارزشهای اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است»

(دو) ارتباط با دشمن تحت عنوان ضرورت عقلی

«اگر کسی بخواهد به وسیله‌ی عقل گرایی، در مقابل دشمن بی‌تقوایی به

^۱ - بیانات رهبری در دیدار با هیأت دولت ۱۳۸۸/۶/۸

خرج بدهد، وابستگی به وجود بیاورد، این انحراف است، این خیانت است.»

سه) غفلت از دشمن به بهانه عقلانیت

«آن عقلانیتی که در مکتب امام^(ره) بزرگوار ما هست، اقتضاء نمی‌کند که ما از خدعه‌ی دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه‌ی عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیائیم.»

چهار) زیرپا گذاشتن اخلاق به نام عدالت‌خواهی

«اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام^(ره) منحرف شده‌ایم.»

پنج) اهانت به نام انقلابی‌گری

«اگر به نام انقلابی‌گری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خط امام^(ره) منحرف شده‌ایم.»

شش) سلب امنیت از مردم به بهانه رفتار انقلابی

«اگر بخواهیم به نام انقلابیگری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشور مان سلب کنیم، از خط امام^(ره) منحرف شده‌ایم.»

هفت) حذف مخالف بی‌تقوایی و بی‌عدالتی است

«مبادا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بُعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد.»

هشت) سیاست زدایی از جامعه به بهانه معنویت

«این معنویت به هیچ وجه نباید ما را از مسئولیت عظیم انقلابی خودمان جدا کند، بلکه کمک به حرکت انقلابی است. آنکسانی که با تکیه‌ی به دینداری و با عنوان کردن دینداری، سعی میکنند جامعه را سیاست‌زدائی کنند، جوانان را سیاست‌زدائی کنند، جوانان را از حضور در عرصه‌های کشور

دور نگهدارند، اشتباه می کنند، راه خطا می روند، دچار انحرافند.»

نتیجه گیری:

به موارد هفت گانه فوق به عنوان خطوط قرمز دولت آینده اشاره شد و البته خطوط دیگری هم هست که باید از جانب دولت محترم شمرده شود اما موارد فوق شاید مهمترین مواردی باشند که رعایت آنها حداقل انتظارات مردم از دولت یازدهم می باشد. ضمناً در مورد آخر تحت عنوان جلوگیری از خطر انحراف به موارد بسیار مهمی اشاره شد که چنانچه دولت یازدهم و سایر دولت های آینده عامل به آنها باشند نه تنها دچار انحراف نخواهند شد بلکه به پیشبرد اهداف انقلاب کمک خواهند کرد.

دولت های گذشته اما متأسفانه با وجود شاخصی بنام مکتب امام^(ره) دچار انحرافات رفتاری، اخلاقی و اعتقادی شده اند که دولت یازدهم باید از آنها اجتناب ورزد. در خاتمه به مهمترین موارد انحراف در سه دولت گذشته اشاره می گردد:

الف) نمونه هایی از انحرافات رفتاری، اخلاقی و اعتقادی دولت هاشمی

انحرافات رفتاری (کنشی)	انحرافات اخلاقی (گرایشی)	انحرافات اعتقادی (بینشی)
پشت کردن به ارزشهای دفاع مقدس	ترویج آزادی های فردی	ترویج اندیشه های لیبرالی
غلبه تخصص بر تعهد	بازکردن سفره تساهل و تسامح	فراهم کردن زمینه ورود افکار سکولاریستی به مدیریت کشور
تن دادن به شرایط بانک جهانی جهت استقراض خارجی	فراهم کردن زمینه نفوذ تکنوکرات ها به مدیریت عالی کشور	عدم اعتقاد به مرزبندی با افکار سکولاریستی
به فراموشی سپردن فرهنگ جهادی	فراهم کردن زمینه بازگشت عناصر سلطنت طلب به کشور	عدم باور به تهاجم فرهنگی
تامین نیاز سرمایه داران و فراموش کردن محرومین	رواج فساد اقتصادی و ایجاد طبقه نوکیسه،	باور نکردن شعار عدالت
رواج مصرف گرایی و تجمل گرایی	حذف نظارت و کنترل بر محصولات فرهنگی	اعتقاد به فرمایشی بودن شان ولایت فقیه

ب) انحرافات رفتاری، اخلاقی و اعتقادی دولت خاتمی

انحرافات رفتاری	انحرافات اخلاقی	انحرافات اعتقادی
حذف گسترده مدیران جهادی و دلسوز نظام	یکی شدن مرزهای خودی و غیر خودی	ترویج افکار لائیکسته
برخورد تخریبی با عناصر و شخصیت‌های جناح رقیب	ورود سکولارها به عرصه‌های مدیریتی	بسط اندیشه‌های سکولاریسم
بحران آفرینی و خلق غائله‌های ضد امنیت ملی	انفعال در سیاست خارجی به بهانه تنش زدایی	عدم باور به توانایی فقه در اداره جامعه
رها کردن توسعه اقتصادی تحت عنوان توسعه سیاسی	اهانت و تضعیف ارزشهای دینی	حمله به مبانی دینی از جمله وحی و عصمت
تشویش اذهان عمومی به بهانه دانستن حق مردم است	زیر سوال بردن فرهنگ جهاد و شهادت به بهانه خشنونت طلبی	اعتقاد به دین حداقلی
بی توجهی به نیازهای معیشتی مردم به بهانه نخبه گرایی	فراهم کردن زمینه ترویج عرفان‌های کاذب	توهم دانستن توطئه علیه کشور
ترجیح منافع گروهی بر منافع ملی	عدم مرزبندی شفاف با فتنه گران علیه نظام	
تضعیف ارکان حکومت دینی از جمله جایگاه ولایت فقیه		
دامن زدن به مسائل جنجالی و حاشیه ای		
تحریک گروه‌های سیاسی نظام نظام با راهبرد فشار از پایین چانه زنی در بالا		
تحت فشار قرار دادن نظام جهت عقب نشینی در پرونده هسته ای		

ج) انحرافات رفتاری، اخلاقی و اعتقادی دولت احمدی نژاد

انحرافات رفتاری	انحرافات اخلاقی	انحرافات اعتقادی
طرح مباحث ضد فرهنگی مثل ورود زنان به ورزشگاهها، مخالفت با گشت ارشاد و تفکیک جنسیتی	عزل و نصبهای شبهه ناک و غیر قابل توجیه	تعرض گفتمانی با گفتمان انقلاب اسلامی با رویکرد اسلام سنتی در برابر اسلام فقهاتی
انجام رفتارهای شبهه ناک نظیر حمل قرآن با حرکات موزون و موسیقی	عدم مرزبندی شفاف با فتنه‌گران	تاکید بر مکتب ایرانی به جای اسلام
مسئله سازی و حاشیه‌سازی	تسامح در حوزه فرهنگ	ترویج خرافه گرایی و میدان دادن به رمالیستها
قانون گریزی	فاصله گرفتن از روحانیت و مراجع عظام تقلید	متهم کردن علمای دینی به ارائه فتاوی بدون فهم مسائل
تلاش برای بسط اختیارات رئیس جمهور	عدم همکاری با دیگر جریانهای اصولگرا	باستانگرایی و ملی گرایی
سفرهای خارجی و تحرکات سیاسی پرابهام در حاشیه دولت	خاص گرایی و انتساب به یک گروه محدود	تاکید بر مکتب ایرانی در مقابل مکتب اسلام
به انفعال کشیدن نیروهای توانمند و مدیران مستقل	تخریب نیروهای انقلاب به بهانه عدم همراهی با خود	اسلامی نداستن موج بیداری ملت‌های مسلمان
بی توجهی به روح دیپلماسی	سطحی نگری در مسائل فرهنگی	طرح رابطه دوستانه با مردم اسرائیل
انتقاد ناپذیریو عدم پذیرش اشتباهات	ایجاد زمینه نفوذ عناصر منحرف در دستگاههای دولتی	سوء استفاده از مباحث آخرالزمانی و اعتقاد به مهدویت
انجام تخلفات اشکار از جمله ورود جانبدارانه به انتخابات	اختلاف انگیزی و علنی کردن مسائل پشت صحنه	
عدم تمکین به عقل جمعی		
فقدان ثبات مدیریتی		
برخورد تخریبی با مدیران با سابقه نظام		

		بی توجهی به اسناد بالا دستی
		بی توجهی به نظرات کارشناسی

رویارویی خط تردید و سازش با خط مقاومت

مقدمه

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همواره در مقابل خط مقاومت و ایستادگی که خط مقابله با زیاده‌خواهی‌های دشمنان انقلاب به خصوص آمریکاست، خط دیگری وجود داشته که متناسب با شرایط به عرض اندام پرداخته است.

امروز پس از توطئه‌های مختلف دشمنان در قالب تهاجم مستقیم، فتنه و انحراف، شاهد ترفند تردید افکنی از دورن هستیم که هماهنگ با تهدید از بیرون پیگیری می‌شود و به عنوان خط تردید و سازش قابل شناسایی است. خط تردید و سازش در پی آن است که ظرفیت‌ها، قابلیت‌های درونی و قدرت نرم نظام اسلامی را کوچک نمایی و تهدیدها و مشکلات را بزرگ نمایی کند تا ملت و مسئولان را به اشتباه محاسباتی دچار سازد و در نهایت خط مقاومت را از میدان بیرون کند.

مفروضات خط سازش

در خط سازش مفروض این است که برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز و تبدیل شدن به قدرت اول منطقه، به ناچار باید با نظام بین‌الملل تعامل صلح جویانه داشت؛ هر چند ممکن است از لحاظ اخلاقی و حتی آرمانی خلاف معیارها و موازین باشد. بر این اساس پیگیری آرمان‌ها و تعامل صلح‌جویانه به طور هم‌زمان، چگونه میسر می‌شود؟ نخست اینکه تعاملات و تبادلات بین‌المللی، با وابستگی، سازش و تسلیم در برابر قدرت‌های استکباری بسیار متفاوت است. ما هیچ‌گاه مرزهای مان را نبستیم و تعاملات اقتصادی مان را با دنیا قطع نکردیم، بلکه همواره این غرب بوده که در قطع روابط، پیش‌گام بوده است.

اگر امروز چین به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی مطرح است، ناشی از تحریم‌های ۲۵ ساله‌ای است که غرب بر آن‌ها اعمال کرده است. ما زمانی می‌توانیم به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای مطرح باشیم که دارای اقتصاد بومی و متکی به خود باشیم.

دوم اینکه بر خلاف آنچه که غربی‌ها می‌گویند و متأسفانه عده‌ای هم در داخل آن را در رسانه‌ها بازتولید می‌کنند، تعاملات بین‌المللی به معنای رابطه‌ی دولت‌هاست. این در حالی است که در نگرش ما، منظور از رابطه و تعامل بین‌المللی، رابطه با ملت‌هاست. حضرت امام می‌فرمود که ما باید سعی کنیم روابطمان را با ملت‌ها توسعه دهیم. اگر موانعی در این راه وجود دارد، ناشی از دولت‌های آن‌هاست.

در عین حال برگزاری اجلاس غیرمتعهدها در ایران نشانه‌ی وجود تعاملات بین‌المللی ماست که توانستیم ۱۲۰ کشور را دور هم جمع کنیم. از این رو باید بین داشتن تعاملات بین‌المللی و تسلیم در مقابل استکبار جهانی فرق گذاشت.

تعاملات و تبادلات بین‌المللی با وابستگی، سازش و تسلیم در برابر قدرت‌های استکبار بسیار متفاوت است؛ ما هیچ‌گاه مرزهایمان را نیستیم و تعاملات اقتصادی‌مان را با دنیا قطع نکردیم.

در رویکرد سازش گفته می‌شود که راهکار تعامل با نظام بین‌الملل، پذیرش قواعد حاکم بر ساختار نظام بین‌المللی است. این در حالی است که رویکرد مقاومت با بعضی از این قواعد در تعارض قرار دارد. چه طور می‌توان در عین پافشاری بر اهداف و آرمان‌ها، تعاملات بین‌المللی داشت؟

در اینکه قواعد بین‌المللی بر اساس سلطه و زور است و قدرت حرف اول را می‌زند تردیدی وجود ندارد و به همین علت نظام موجود بین‌المللی، نظام سلطه لقب گرفته است. در عین اینکه ما نظام سلطه را قبول نداریم اما تلاش می‌کنیم که این نظام را با نظام عادلانه‌تری جایگزین کنیم؛ این گونه نبوده

که ما از همین قواعد بهره برداری نکنیم. وجود همه ی این موارد، به این معنا نیست که مسئله ی جنگ تحمیلی را به شورای امنیت نبریم یعنی تعامل در چارچوب قواعد بین المللی، بدون اینکه مبانی نظام سلطه را پذیرفته باشیم. و امروز گفتمان انقلاب اسلامی یا گفتمان عدالت، گفتمانی جهانی شده است در حالی که هیچ گاه چنین امری سابقه نداشته است.

سرانجام سازش و عقب نشینی در برابر غرب

تجربه ی ۳۴ ساله گذشته به روشنی نشان می دهد با عقب نشینی و دست برداشتن از مقاومت، غرب به هیچ وجه حاضر به کنار گذاشتن توطئه ها و دشمنی ها نخواهد شد. زیرا انقلاب اسلامی ایران به لحاظ ماهیت اسلامی، استکبارستیزی و عدالت طلبی خود همواره در معرض توطئه ها و فتنه ها قرار داشته و دارد.

تجربه گذشته پیش روی ماست. هر گامی به عقب برداشتیم نعره ها و تهدیدهای بیشتری از دشمن شنیدیم و حتی بیشتر مجازات دیدیم و محور شرارت نامیده شدیم. تجربه دیگر کشورها هم چشم انداز وحشتناکی از نرمش در مقابل دشمن ترسیم کرده است: لیبی، پاکستان، کره شمالی و... چه سرنوشتی از عقب نشینی گام به گام خود در برابر غرب دیده اند؟ روشن است که هیچ گاه نرمش در برابر استکبار آورده ای برای ملت های استقلال طلب نداشته و همواره منافع آنان را به باد داده است.

مقاومت رمز پیشرفت و نماد عزت

در برخی محافل مطرح می شود که رویکرد مقاومت هزینه زا است، از این رو برای پرهیز از هزینه های احتمالی تنها راه ممکن دست کشیدن از مقاومت و پیگیری خط سازش است.

باید پرسید که چه چیزی هزینه ندارد؟ هر سیاستی اتخاذ شود، هزینه های خاص خود را دارد. حتی اگر سیاست سازش هم پیش گرفته شود،

باید از برخی اهداف و منافع دست کشید.

علاوه بر این هزینه‌هایی که می‌پردازیم در ازای استقلال، آزادی و پیشرفت مادی و معنوی در پرتو هویت دینی و ملی است. آیا هیچ کشوری را می‌توان سراغ گرفت که بدون هزینه توانسته باشد هویت دینی و ملی خود را حفظ کند و آزاد و مستقل بماند؟

شرایط امروز ایران اسلامی نسبت به شرایط ۲۰ یا ۲۵ سال پیش، کاملاً به نفع ما تغییر کرده و به تعبیر زیبای امام خامنه‌ای، ایران امروز در شرایط بدر و خیر است.

زمانی که آمریکا در اوج قدرت بود، سازش نکردیم، حال که آمریکا و اروپا دچار بحران‌های فراوان سیاسی و اقتصادی هستند و به تعبیری در سراسیمی سقوط قرار دارند، با آن‌ها سازش کنیم؟!

چنانکه براساس نوشته آلفرد مک کوی استاد تاریخ دانشگاه ویسکانسین مادیسون آمریکا در سال ۲۰۱۰ میلادی، اضمحلال آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی شاید بسیار زودتر از زمانی اتفاق بیفتد که برخی کارشناسان تخمین زده‌اند. اگر واشنگتن، سال ۲۰۴۰ یا ۲۰۵۰ را تاریخ انقضای «قرن آمریکایی» می‌داند، یک ارزیابی واقع‌گرایانه‌تر از روند امور در عرصه داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۵ دوران آمریکا به سر خواهد آمد.

اینک در چنین شرایطی آیا طرح و پیگیری رویکرد سازش، احمقانه‌ترین سیاست نیست؟ و آیا خط مقاومت، واقع‌بینانه‌ترین جریان و دقیقاً در جهت مصالح مردم و منافع ملی نیست؟

پیشرفت‌های فوق‌تصور ملت ایران در حوزه‌هایی بیشتر بروز کرده است که بیش از دیگر حوزه‌ها تحت فشار دشمن قرار گرفته است؛ مانند حوزه‌های زیست فناوری، نانو فناوری و هوافضا که سالها است هرگونه همکاری علمی یا پذیرش دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های معتبر جهان در آنها منع شده است.

تقویت خط تردید و سازش از طریق نشان دادن چماق تحریم آخرین سنگر دشمن در مقابل ملت ایران است. هم‌اکنون در مرحله‌ای قرار داریم که به فرموده رهبر معظم انقلاب نشانه‌های پیروزی ظاهر شده است. ملت ایران تا آخرین خاکریز دشمن پیش رفته و سازش یا ایستادگی آخرین تصمیم مسیر پریپچ و خم و تعیین کننده سرنوشت مبارزه است.

اگر مسئولان نظام بر اساس نشانه‌های پیروزی عمل کنند می‌توانیم در آینده نزدیک پیروزی ملت ایران را در هر دو عرصه سیاست خارجی و استقلال اقتصادی نیز جشن بگیریم.

متأسفانه استکبار، شرایط را به گونه‌ای رقم زده است که نشانه‌های پیروزی را در برابر مردم ایران نشانه‌های شکست جلوه دهد و در این مسیر برخی رسانه‌های داخلی به اشتباه این حقیقت وارونه را پذیرفته و به مردم القا می‌کنند.

در چنین شرایطی، خط سازش در پی آن است که مسئله‌ی «تغییر محاسبه» با پیشنهاد آمریکایی‌ها مبنی بر «لغو تحریم‌ها» و «مذاکره‌ی مستقیم» تلفیق شود تا راه برای دستیابی آنها به منافعشان هموار گردد.

نکته اساسی و پایانی اینکه مهم‌ترین گفتمان قابل تعریف، در ذیل خط مقاومت، گفتمان پیشرفت و عدالت است. در واقع، جان‌مایه خط مقاومت، گفتمان پیشرفت توأم با حفظ هویت دینی و ملی به شمار می‌آید. در حالی که دشمن می‌خواهد این گونه القا کند که جان‌مایه خط مقاومت، هزینه بدون پیشرفت است.

ریشه یابی حوادث ترکیه اردوغان تاوان کدام سیاست غلط را می‌پردازد؟

احمد کریم خانی

صحنه سیاسی ترکیه از چند هفته پیش شاهد بی سابقه ترین تجمعات و اعتراضات خیابانی مخالفین و منتقدین سیاست‌های دولت حاکم در طول ۳۰ سال گذشته است که شاید کمتر کسی حتی خود مقامات "حزب عدالت و توسعه" تصور چنین اعتراضاتی را داشتند. در اثر آشوب‌ها و ناآرامی‌ها ضمن این که تلفات انسانی زیادی اعم از کشته و یا مجروح برجای مانده هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد و صنعت توریسم در این کشور نیز گذاشته است. ناآرامی‌های ترکیه ابتدا از مصوبه شهرداری استانبول برای ساخت یک مرکز تجاری در "میدان تقسیم" این شهر قطع درختان این میدان آغاز شد و با سرکوب شدید پلیس اعتراضات اکثریت شهرهای ترکیه را دربرگرفت. در این نوشتار ریشه‌ها و پیامدهای این بحران مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

خواسته‌ها و مطالبات معترضان

- در متنی که معترضان در ابتدای تجمعات خود به "بولند اربینچ" معاون نخست‌وزیر کشور ارائه کردند خواسته‌ها و مطالبات به شرح زیر ذکر شده است:
- ۱- عدم تغییری در «قیزی پارک» و عدم ساخت و ساز در آن
 - ۲- برکناری تمام مسئولان حوادث اخیر در میدان تقسیم از جمله استانداران و شهرداران «استانبول»، «آنکارا» و «هاتای»
 - ۳- ممانعت از استفاده گازهای اشک‌آور و مواد مشابه
 - ۴- آزادی فوری تمام دستگیرشده‌های حوادث اخیر ترکیه و عدم بازخواست قانونی آنها
 - ۵- لغو ممنوعیت تجمع و برگزاری تظاهرات‌ها در میدان تقسیم استانبول

و «قیزیل آی» در آنکارا و سایر میدان‌ها در شهرهای مختلف ترکیه

۶- لغو کلیه قوانین علیه آزادی بیان و فکر در ترکیه

۷- برگزاری انتخابات زودهنگام

معترضین در ادامه تجمعات خود همه سیاست‌های دولت اردوغان را نشانه گرفته و خواهان سرنگونی این دولت شدند.

جریان‌ات سیاسی حاضر در اعتراضات

بعد از به خشونت کشیده شدن تظاهرات حامیان محیط زیست، جریان اتحاد بزرگ جوانان ترکیه «TGP» مدیریت صحنه را برعهده گرفتند و با برافراشتن پرچم بزرگ «TGP» مخالفت خود را با سیاست‌های دولت حاکم در طول سال‌های اخیر به نمایش گذاشتند. جریان اتحاد بزرگ جوانان ترکیه که عمدتاً کمالیست بوده و مدافع آرمان‌های آتاتورک در این کشور می‌باشند از حدود ۵۰ سال گذشته مخالف گسترش روابط این کشور با ناتو بوده‌اند و روابط روبه افزون حزب عدالت و توسعه با ناتو زمینه ساز حضور خیابانی این جریان شده است. این جریان بسرعت شهرهای بزرگ مرزی با سوریه را علیه دولت فعال کردند و اعتراضات امروز شهرهای هاتای، آدانا، قاضی الانتر، شانلی عرفا با محوریت این جریان صورت می‌گیرد.

دومین جریان عمده‌ای که از روزهای آغازین این تحولات بیشترین حضور را داشتند جریان‌ات چپ و سوسیالیست‌ها هستند. این‌ها از گذشته دور براساس اعتقادات ایدئولوژیکی مخالف روابط راهبردی با غرب و سرمایه داری لیبرال هستند و امروز با گسترش روابط آنکارا با غرب و ناتو، گروه‌های چپ بیش از پیش از وضعیت حاکم اظهار نگرانی دارند. روابط روبه گسترش ترکیه با رژیم صهیونیستی، آمریکا و ناتو، استقرار موشک‌های پاترویت در مرز ترکیه با سوریه توسط ناتو و ورود ترکیه به جنگ با سوریه به نمایندگی از غرب زمینه ساز اعتراض گروه‌های چپ سوسیالیست علیه حزب حاکم شدند.

اما بیشترین استفاده را بزرگترین حزب منتقد ترکیه حزب جمهوری خلق - GHP- از فرصت بوجود آمده داشتند و کمال قلیچ دار اوغلو رهبر در

واکنش به حوادث اخیر، شرایط امروز ترکیه را با شرایط آلمان نازی در سال ۱۹۴۰ مقایسه نموده و اعلام داشته است این اعتراضات بر علیه دیکتاتوری اردوغان است. این حزب علی‌رغم اینکه اعلام کرد ما بانی این اعتراضات نیستیم اما فرصت بوجود آمده را بهترین زمان برای شکستن اقتدار حاکمیت عنوان کرد. حزب جمهوری خواه خلق که اکنون دارای ۱۴۰ کرسی در پارلمان از مجموع ۵۵۰ کرسی موجود پارلمان این کشور است مخالف سیاست‌های اسلامگرایی دولت اردوغان در ترکیه، مخالف صلح با کردها و مخالف دخالت دولت ترکیه در تحولات سوریه می‌باشند.

یکی دیگر از جریان‌های فعال در تجمعات اخیر علویان این کشور می‌باشند و علویان که از مدت‌ها پیش فاصله خود را با دولت اردوغان به خاطر سیاست‌های سنی‌گرایانه ایشان بیشتر کرده بودند و در گذشته تجمعات مختلفی علیه حزب حاکم بر اه انداخته بودند اما امروز با آشکار شدن سیاست‌های یک‌جانبه اردوغان در سنی‌گرایی و نمایندگی اهل تسنن این کشور، از فضای موجود علیه تضعیف حاکمیت بهره‌برداری می‌کنند. البته اقدام اخیر اردوغان در نامگذاری سومین پل بزرگ استانبول بنام «سلطان سلیم یاوز» در تحریک علویان بیشترین تاثیر را داشت. علویان اعتقاد دارند نامگذاری سومین پل استانبول بنام سلطان یاوز حکایت از آن دارد که دولت اردوغان کماکان بیشتر از گذشته نمایندگی اهل تسنن را برعهده داشته و با علویان چالشی جدی دارد. علویان این نامگذاری را تجسم امروز سلطان سلیم در اردوغان و ادامه دهنده جنگ نیمه تمام یاوز با علویان دانسته و ادعا می‌کنند که این اقدام برای آنان و کشورهای منطقه حاوی پیامی بوده و ناشی از حاکمیت ذهنیتی است که کماکان به جنگ مذهبی اعتقاد دارند. سلطان سلیم یاوز عامل کشتار بیش از ۵۰ هزار علوی بوده و از ایشان بعنوان نماد جنگ مذهبی در ترکیه یاد می‌کنند.

شایان ذکر است که امروزه در ترکیه بیش از ۲۰ میلیون علوی زندگی می‌کنند و از پتانسیل‌های خوبی برای فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی برخوردار هستند و در کنار داشتن یک هویت یکپارچه یک نوع

همزاد پنداری هم با مردم سوریه دارند و همواره خود را مدافع و در کنار مردم سوریه تلقی کرده‌اند. سیاستهای امروز دولت اردوغان در قبال تحولات سوریه و همراهی با غرب در جنگ علیه بشار یکی دیگر از عوامل نارضایتی علویان از وضع موجود هستند.

اما دو جریان سیاسی تاثیرگذار در روزهای ابتدایی این تحولات حضور داشتند اما با دامنه دار شدن آن بتدریج نه تنها از آن عقب نشینی کردند بلکه اتفاقات اخیر را هم محکوم کردند و آنهم جریان PKK و جریان راست ملی MHP می‌باشد. در خصوص علل عقب نشینی کردها از حضور در اعتراضات اخیر علی رغم وجود جنگ دیرینه بین حاکمیت ترکیه با کردها، با روند صلح دولت ترکیه با کردها بر می‌گردد فرایندی که بعد از سالها بین دو طرف شکل می‌گیرد. دولت ترکیه که خواستار الحاق به اتحادیه اروپا است و حل موضوع کردی در این کشور یکی از مقدمات لازم برای تحقق این موضوع است و کردها که از سالها پایمال شدن حقوق شهروندی خود و جنگ با دولت خسته شده اند به ناچار مجبور به اتخاذ رویکرد صلح محوری بین دو طرف شدند و روند صلح موجود بین دو طرف باعث عقب نشینی کردها از حضور در تجمعات اخیر شد. چراکه کردها اعتقاد دارند فرایند صلح با دولت ترکیه فقط با حزب حاکم میسر است و اگر جریانات دیگری همچون حزب جمهوری خواه خلق سرکار بیایند قطعاً این امر محقق نخواهد شد چراکه آنها ملی گرایان ترکیه فرایند آشتی ترکی - کردی را برای امنیت ملی و وحدت ترکیه خطرناک می‌دانند لذا کردها با نگرانی از حاکمیت مجدد کمالیست‌ها در ترکیه، راهبرد بی طرفی را پیش گرفتند و حتی در بیانیه اخیر خود اعتراضات اخیر را محکوم کردند.

دلایل و زمینه‌ها

اگرچه در ابتدا اعتراضات ماهیت زیست محیطی داشت اما ترکیب جریانات حاضر در اعتراضات خیابانی نشان دهنده عمق اعتراضات در این کشور است. در خصوص بروز حوادث ترکیه به زمینه‌ها و دلایل مختلفی

می‌توان اشاره کرد از اتخاذ سیاستهای داخلی دولت اردوغان تا سیاستهای خارجی.

در بعد داخلی اگرچه با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه که با شعارها و رویکرد اسلامی توأم بود و شاهد پیشرفت روزافزون اقتصادی در این کشور بودیم اما بی توجهی دولت حاکم به خواسته‌ها و مطالبات احزاب مخالف، عدم توزیع قدرت بین لایه‌های مختلف هویت سیاسی و فرهنگی جامعه ترکیه، برخورد قهرآمیز با منتقدین و ایجاد شرایط استبدادی در ترکیه، بی توجهی به فضای موجود ضدیت نسبت به آمریکا، اسرائیل، سیاست نادرست دولت در خصوص موضوع سوریه علی‌رغم رویکرد حمایتی مردم ترکیه از نظام سوریه، حادثه ریحانلی که مردم ترکیه دولت را مقصر عمده می‌دانند، استبداد رسانه‌ای، منزوی کردن مخالفان دولت از اقتصاد کشور، استفاده از قوه قضائیه علیه مخالفان، ایجاد شرایط سخت برای انجمنها و بنیادهای غیردولتی و ... زمینه ساز وضعیت پیش آمده امروز ترکیه شده و شکاف بزرگی را بین طرفداران اردوغان و جبهه مخالفان و محافظه کاران ایجاد کرده است و رفتار بلند پروازانه و جاه طلبی‌های اردوغان در نهایت باعث شعله ور شدن آتش زیر خاکستر شد.

در کنار بحث‌های داخلی نباید از یک موضوع مهم و تاثیر گذار هم غافل ماند و آنهم حمایت آقای اردوغان از نورچی‌ها و شخص فتح الله گولن است که نگرانی‌های عمده‌ای را در بین اسلامگرایان ایجاد کرده است. چراکه فتح الله گولن رویکرد سلفی دارد و نگرانی از اسلامگرایی افراطی و سلفی و تلاش اردوغان برای اعمال محدودیت برای دیگر جریانهای دینی و مذهبی باعث احساس خطر از رویکرد جدید سیاست خارجی دولت اردوغان شده است.

در بعد خارجی سیاست خارجی دولت اردوغان باید گفت علی‌رغم اینکه دولت ترکیه با انتخاب آقای داود اوغلو بعنوان وزیر خارجه اعلام کرده بود که بدنبال ایجاد صلح با همه همسایگان حتی ارمنستان است اما تحولات مربوط به بیداری اسلامی باعث تغییر اساسی در راهبردهای سیاست خارجی این کشور شد و همسویی این کشور با غریبه‌ها و اعراب در بحث بیداری اسلامی

بالاخص موضوع سوریه، شکاف بزرگی را بین دولت و مردم این کشور ایجاد کرد که برآیند آن را در افزایش اعتراضات و تجمعات مردمی علیه سیاستهای ضد سوری دولت اردوغان می‌توان مشاهده کرد. سیاست ضد سوری، سیاست همراهی با غرب، اسرائیل و ناتو باعث رویگردانی مردم از دولت این کشور شدند.

نگاه غرب به تحولات ترکیه

با تشدید اعتراضات مردمی در ترکیه و گسترش آن به دیگر شهرهای ترکیه و برخورد نیروهای امنیتی با معترضین، رسانه‌های غربی سیاست دوگانه‌ای را نسبت به این تحولات در پیش گرفته اند. آنها تلاش می‌کنند اعتراضات مردم ترکیه را اعتراض به سیاستهای اسلامگرایی و خستگی آنها از اقدامات اسلامی اردوغان عنوان کنند تحلیل بی بی سی در این راستا قابل تحلیل است. رسانه‌های غربی تلاش می‌کنند به افکار عمومی چنین القا کنند که عمده معترضین لائیک‌ها و معترضین به سیاستهای اسلامی دولت هستند و خواستار توقف برنامه‌های اسلامگرایی هستند و از طرف دیگر با محکوم کردن برخورد خشن پلیس با مردم خواستار توجه دولت ترکیه به مطالبات معترضین و پرهیز از نقض حقوق بشر و دموکراسی شده اند. پارلمان اتحادیه اروپا، سخنگوی کاخ سفید، خانم مرکل و ... هرکدام در موضع گیریهای جداگانه از سیاست سرکوب اردوغان انتقاد کرده اند.

روزنامه صهیونیستی جروزالم پست نیز در گزارشی با اشاره به اینکه "آیا بهار عربی در مسیر ترکیه است؟" نوشت: اگر چه هنوز نمی‌توان تحولات ترکیه را بهار ترکی نامید اما باید گفت که روح بهار عربی در ترکیه دمیده شده است. به نوشته این روزنامه صهیونیستی مردم ترکیه راهکار مردم جهان عرب را برای ایجاد تغییرات اساسی در کشورشان به کار گرفته‌اند. مردم ترکیه در اعتراض به اقدامات یک جانبه «رجب طیب اردوغان» نخست وزیر این کشور به خیابان‌ها ریختند و به نظر می‌رسد که عقب نشینی نخست وزیر در برابر مخالفان مشکل به نظر می‌رسد. (۹۲/۳/۱۸)

با اوج گیری تظاهرات ضد دولتی در ترکیه، کاخ سفید با ابراز نگرانی از خشونت‌های صورت گرفته در این کشور، خواستار خویشتنداری نیروهای امنیتی در برابر معترضان شد. و اما هم آوایی شهروندان اروپایی با معترضان ترک مقدمه‌ای بر موضع گیری مقامات اروپایی و اتحادیه نسبت به تحولات ترکیه شد. در این پیوند در برخی از کشورهای اروپایی از جمله بلژیک و آلمان تظاهراتی در حمایت از مخالفان دولت عدالت و توسعه برگزار شد. در ادامه 'گیلز پورتمن' معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با وجود بی‌اساس دانستن مقایسه تحولات ترکیه و اعتراضات اخیر مردمی در کشورهای عربی، به شدت از نوع برخورد دولت در برابر مخالفان انتقاد کرد.

نمایندگان پارلمان اروپا در استراسبورگ فرانسه نسبت به برخوردهای مقامات و نیروهای دولتی با تجمع مسالمت آمیز طرفداران محیط زیست در استانبول و پس از آن اعتراضات شدت گرفته و تسری یافته به دیگر شهرهای ترکیه اعتراض کرده و خواهان تغییر رویکردهای نخبگان حاکم در این زمینه شدند. در این رابطه حتی برخی نمایندگان راست‌گرای پارلمان اروپا ضمن محکوم کردن رفتارهای سرکوبگرانه دولت آنکارا، خواهان پایان مذاکرات عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا شدند.

به نظر می‌رسد غربی‌ها به دنبال استفاده از فضای بوجود آمده برعلیه اسلام‌گرایان و ناکارآمدی اسلام‌گرایان در راس حکومت هستند و با انتقاد از سیاست‌های نقض حقوق بشری، نقض دموکراسی حمایت از جریان‌های غرب‌گرا و لائیک را دنبال می‌کنند حتی جریان‌های موجود در تظاهرات‌های مردمی تداعی کننده طراحی و سازمان یافته بودن آنها توسط غربی‌ها می‌باشد استفاده از فضای شبکه‌های اجتماعی به صورت وسیع و پشتیبانی احزاب غرب‌گرا از حوادث دلیلی بر اثبات این موضوع است.

پیامدهای داخلی و خارجی

اگر چه تحولات دو هفته اخیر ترکیه نشان داده است که دولت این کشور توانسته است تا حدودی این اعتراضات را کنترل کند و از تند شدن روند آن

در مواجهه مستقیم معترضان با نظام سیاسی این کشور جلوگیری کند اما به نظر می‌رسد این اعتراضات برخی پیامدهای مهم برای دولت این کشور در سیاست داخلی و خارجی باشد.

از زمانی که حزب عدالت و توسعه که در ترکیه به AKP موسوم است به قدرت سیاسی دست یافته، این نخستین اعتراض سراسری به شمار می‌رود که توانسته است پایه‌های دولت این کشور را که عنوان اسلام‌گرایی را یدک می‌کشد سست کند. هر چند نظر سنجی‌ها نشان می‌دهند که حزب عدالت و توسعه با وجود اعتراضات سراسری که مخالفان سکولار و ملی‌گرا نیز در افزایش مدت زمان آن نقش داشته‌اند، از میزان محبوبیت مناسبی در بین مردم این کشور برخوردار است اما نمی‌توان از تاثیراتی که این اعتراضات می‌تواند بر مسایل منطقه‌ای و حتی روابط ترکیه با اتحادیه اروپا بگذارد غافل بود.

در سطح تحلیل داخلی، اعتراضات اخیر می‌تواند به روند اسلام‌گرایی در ترکیه خدشه وارد سازد. این مساله فقط به اعتراضات مربوط به عملکرد حزب عدالت و توسعه مربوط نیست بلکه می‌توان به پیدا شدن نمایندگان دیگری برای اسلام‌گرایی در ترکیه نظیر حزب اسلام‌گرای سعادت نیز اشاره داشت. اگر حزب عدالت و توسعه نتواند خواسته‌های اسلام‌گرایان را به ویژه در مسایل مربوط به سیاست خارجی برآورده سازد، ممکن است زمینه‌های ناامیدی مردم ترکیه از حزب عدالت و توسعه منجر به ریزش آرای آن‌ها به سمت احزاب دیگر شود. هر چند تمایل به اسلام‌گرایی در ترکیه یک شبه پیش نیامده است که با عملکرد نادرست حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی خدشه دار شود اما تداوم چنین روندی می‌تواند احزاب و افرادی را که اسلام‌گرایی را نمایندگی می‌کنند، تغییر دهد. با این وجود مساله اساسی در تلاش‌های سکولارها و ملی‌گرایان ترکیه در جلوگیری از تداوم اسلام‌گرایی در این کشور نهفته است و اشتباهات سیاسی اردوغان نیز این مساله را تشدید می‌کند. سال‌های طولانی حاکمیت سکولارها و ملی‌گرایان در ترکیه و دخالت ژنرال‌های ارتش در سیاست این کشور، بخشی از فرهنگ سیاسی

مردم ترکیه را با سکولاریسم و ملی گرایی پیوند زده است و همین مساله میزان ثابتی از هواداران را برای احزاب سکولار و ملی گرا تدارک می بیند. بنابراین تداوم اسلام گرایی در ترکیه نیازمند اصلاح سیاست های کنونی اردوغان به ویژه در حوزه سیاست خارجی است .

به نظر می رسد دولت اردوغان در مواجهه با اعتراضات میدان تقسیم استانبول و سپس سراسر این کشور به شکل مناسبی عمل نکرده است. شاید اگر اردوغان در واکنش به اعتراضات مردم ترکیه، سفرش به آفریقا را لغو می کرد و زودتر از این ها حاضر به مذاکره با نمایندگان معترضان می شد، اعتراضات به این شکل تداوم نمی یافت. به هر حال، انتظار می رفت دولت اردوغان که ادعای برتری دموکراتیک در خاورمیانه را نیز دارد به شکل دموکراتیک تری با این اعتراضات برخورد می کرد. اما تلاش هایی که از سوی پلیس ترکیه و ارتش این کشور برای سرکوب خشونت آمیز معترضان صورت گرفت، زمینه را برای افزایش اعتراضات در این کشور فراهم کرد. اردوغان می توانست با یک عذرخواهی ساده از مردم زمینه را برای گفتگو با معترضان آماده سازد و از تداوم روند اعتراضات و شکل گیری سویه های سیاسی برای آن جلوگیری کند. با این حال، سرکوب معترضان علاوه بر مردم عادی، دامن وکلای این کشور را نیز گرفت و ۵۰ تن از وکلای ترکیه زندانی شدند که این مساله، زمینه را برای تجمع اعتراضی وکلای دادگستری ترکیه و صدور بیانیه از جانب کانون وکلای استانبول فراهم ساخت. از همین رو، به نظر می رسد بخشی از ناآرامی های حاصل از اعتراضات مردم ترکیه، به عملکرد نامناسب دولت اردوغان در مواجهه با اعتراضات و عدم پایبندی به روش های دموکراتیک در حل مسالمت آمیز اعتراضات مردمی باز می گردد .

به نظر می رسد در سطح منطقه ای نیز این اعتراضات پیامدهایی را برای معادلات سیاسی منطقه در پی داشته باشد. از آنجا که بخشی از اعتراضات کنونی مردم ترکیه به نحوه اتخاذ تصمیم های دولت اردوغان در سیاست خارجی این کشور مربوط است، ممکن است شاهد تاثیرگذاری آن ها بر سیاست خارجی ترکیه باشیم. هر چند نگاهی به سابقه تصمیم گیری های

اردوغان در عرصه سیاست خارجی نشان می دهد که اساسا دولت وی و دستگاه دیپلماسی ترکیه درباره اعتراضات مردمی به مشی سیاست خارجی این کشور، بی تفاوت بوده اند اما باید اذعان داشت که در ماه های اخیر از میزان تنش آفرینی های دولت ترکیه در بحران سوریه کاسته شده است. هر چند از ابتدای آغاز بحران سوریه نیز آشکار بود که سیاست های اتخاذی دستگاه دیپلماسی ترکیه از واقعیت های سیاسی منطقه و شرایط کنونی این کشور در معادلات منطقه ای دور است اما اصرار بر تلاش های سیاسی و امنیتی برای سقوط دولت قانونی سوریه، مشکلات این کشور را در عرصه داخلی، به عرصه منازعه مردم و دولت کشاند و بدین ترتیب زمینه برای آغاز ناآرامی های اجتماعی در این کشور فراهم شد .

این در حالی است که ممکن است اعتراضات مردمی در ترکیه و سرکوب های شدید صورت گرفته از سوی پلیس این کشور ابعادی فراتر از مسایل منطقه ای بیابد. هر چند این ابعاد ممکن است صرفا به روابط ترکیه با اتحادیه اروپا محدود شود اما مساله روابط ترکیه با اتحادیه اروپا از ابعاد مهمی به ویژه برای عضویت این کشور در اتحادیه اروپا برخوردار است. این در حالی است که مطابق ادعای پایگاه خبری حریت، دو خبرنگار کانادایی هم در اعتراضات استانبول دستگیر شده اند که این مساله می تواند در روابط ترکیه با کانادا نیز خدشه وارد کند. علاوه بر آن، برخورد نامناسب پلیس ترکیه با اعتراضات مردمی، صدای برخی کشورهای اروپایی به ویژه آلمان را نیز درآورده است و کشورهای اروپایی از برخوردهای پلیس با تظاهرکنندگان اظهار نگرانی کرده اند. در چنین شرایطی ترکیه که از چندین سال پیش به دنبال عضویت در اتحادیه اروپا است، با بهانه های متعدد جدیدی روبرو خواهد شد که کشورهای اروپایی برای عضویت این کشور در اتحادیه اروپا ارایه خواهند کرد. با این وجود، مساله صرفا به نحوه سرکوب معترضان محدود نیست بلکه اساسا یکی از مواردی که همواره برای عضویت این کشور در اتحادیه اروپا بررسی می شود، مساله حقوق بشر و نهادهای جامعه مدنی در ترکیه است. از سوی دیگر، این کشور همواره درباره اصلاح نحوه برخورد با

روزنامه نگاران نیز زیر فشار نهادهای بین المللی قرار داشته است و برخی آمارها این کشور را به عنوان نخستین کشور در لیست کشورهای که بیشترین روزنامه نگار زندانی را دارند، نام می برند. بنابراین دولت ترکیه احتمالا باید منتظر بهانه گیری های جدیدی از سوی اتحادیه اروپا باشد .

در نهایت به نظر می رسد اعتراضات ساده میدان تقسیم استانبول به وضعیت پیچیده ای برای دولت اردوغان تبدیل شده است که مشخص نیست به چه نتیجه ای خواهد انجامید. افزایش خواسته های معترضان از عدم تخریب پارک مورد نظر در میدان تقسیم استانبول به تغییر شهرداران چند شهر این کشور نشان می دهد که ممکن است مذاکرات اردوغان با نمایندگان معترضان دستکم در مراحل اولیه به نتیجه مشخصی منجر نشود

نتیجه گیری

اگرچه امروز نوع برخورد خشن دولت ترکیه با معترضین و اراذل و اوباش خواندن آنها باعث تحریک مردم و فراگیر شدن این موضوع شده اما وجود اختلافات عمده بین جریانهای فعال در این عرصه در خصوص مدیریت و رهبری اعتراضات، تداوم سیاسی آن را به چالش کشانده است. از سوی دیگر تجمعات حمایتی از اردوغان توسط هواداران باعث پیچیده شدن این موضوع شده است.

درخصوص تاثیر این تحولات بر روابط استراتژیک ایران و ترکیه باید گفت اگرچه در خصوص برخی از تحولات منطقه از جمله موضوع سوریه اختلافات راهبردی بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه وجود دارد اما بیشترین روابط ایران با ترکیه در همین دوره اسلامگرایان بوده است. حمایت های ترکیه در بحث پرونده هسته ای، حقوق بشر و... از جمهوری اسلامی ایران نشان از وجود اشتراکات فراوان بین دو طرف است.

به نظر می رسد تحولات اخیر ترکیه در تاکتیک به نفع جمهوری اسلامی ایران می باشد چراکه در این تحولات غرور و تکبر پوشالی اردوغان تضعیف شده نه تفکر ایشان. اما در اهداف راهبردی شاید اینگونه نباشد. تحولات اخیر

ترکیه فرصتی را برای اعمال فشار علیه اردوغان و سیاستهای منطقه‌ای این کشور فراهم ساخته است و بهمین جهت است که تمامی جریانهای لائیک، سکولار، چپی و ... با پشتیبانی غربی‌ها بر علیه اردوغان شعار می‌دهند. لذا در برخورد با موضوع نباید شتابزده عمل کرد چراکه برکناری اردوغان و ناکارآمد جلوه دادن اسلامگرایان هدف اصلی معترضین است. لذا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تدبیر و اتخاذ یک سیاست مستقل هم مطالبات بحق خود را از اردوغان دنبال نماید و هم از سقوط دولت ایشان و ضربه خوردن اسلامگرایان جلوگیری کند. شورش و اعتراضات اخیر در ترکیه به نوشته برخی از تحلیلگران منطقه آتشی است که اردوغان در سوریه برپا کرده بود و اکنون همان آتش به جان دولت او افتاده است.

تأثیرات جبهه مقاومت در پیروزیهای سوریه

«پیروزی مثلث مقاومت بر صلیب شکسته ترور و پیامدهای آن»

سید روح الله امین آبادی

نگاهی هر چند گذرا به صحنه نبرد در منطقه حساس خاورمیانه نشان دهنده یک واقعیت بسیار ساده است واقعیتی که حواشی زاید آن را از دیده‌ها پنهان کرده است.

نبرد خاورمیانه که امروز به لحظات سرنوشت ساز خود نزدیک شده است جنگی نیابتی است میان محور مقاومت با امکاناتی محدود و کشورهایی با بودجه‌های میلیاردی که دستشان برای انجام هر جنایتی و دور از چشمان نهادهای ناظر بین المللی باز است.

در یک طرف ایران، عراق، حزب الله لبنان و ارتش سوریه قرار دارد و در طرف دیگر شیوخ مستبد و مرتجع منطقه با درآمدهای میلیاردی نفت و همچنین طرفداری بدون شائبه کشورهای غربی از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه و ...

برای آن که بدانیم نقش محوری ایران، عراق و حزب الله لبنان در منطقه به عنوان محور مقاومت در دفاع از سوریه چیست باید معادلات سیاسی و نظامی موجود را به خوبی بدانیم.

محور عبری - عربی - غربی از سه جهت به تروریست‌ها در سوریه کمک می‌کنند که در ادامه به توضیح مختصر هر کدام پرداخته و در نهایت به نقش محور مقاومت در سوریه می‌پردازیم.

اسرائیل، دشمن دیرینه!

با آغاز موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی و سقوط پشت سر هم سران مرتجع عرب از جمله حسنی مبارک دیگر ناقوس اضمحلال برای رژیم صهیونیستی به صدا در آمده بود.

حسنی مبارک از زمانی که سادات رئیس جمهور مصر بود رفیق شفیق

اسرائیل بود و سقوط او صحنه‌ای دردآور برای اسرائیل محسوب می‌شد، سقوط علی عبدالله صالح در یمن نیز برای رژیم صهیونیستی مطلوب نبود، با آغاز درگیری‌ها در سوریه که از همان ابتدا با چاشنی انفجار همراه بود بهترین فرصت برای اسرائیل فراهم شد تا خود از منجلاب به وجود آمده آزاد سازد.

عده‌ای اینگونه می‌اندیشیدند که اسرائیل هر چند دل خوشی از بشار اسد ندارد ولی سوریه ضعیف را بیشتر می‌پسندد تا نظامی که در آینده روی کار خواهد آمد و هدف و مقصدش روشن نیست ولی مرور زمان این فرضیه را ابطال کرد چرا که رژیم صهیونیستی با آغاز پیروزی‌های گسترده ارتش سوریه بر معارضان مسلح خود وارد میدان شد و در چندین مرحله اهدافی را در داخل خاک سوریه بمباران کرد.

این حملات خود پیروزی استراتژیکی برای سوریه و اسد محسوب می‌شود چرا که بر همگان مسلح شد که دشمن دیرین مسلمانان و اعراب در یک سوی ماجرا قرار دارد و اسد در واقع با رژیم صهیونیستی است که می‌جنگد نه با تروریست‌های بدبختی که با خود نیز مشکل دارند و هر از گاهی اخبار تصفیه‌های درون گروهی شان نقل محافل می‌شود.

سران مرتجع!

بی‌گمان بعد از این که مبارک در مصر، عبدالله صالح در یمن و قذافی در لیبی سقوط کردند موج بیداری اسلامی به پشت کاخ‌های سران مرتجع عرب از جمله سلاطین عربستان، قطر، بحرین و اردن رسیده است.

پادشاهان مادام‌العمر با استفاده از رسانه‌های در اختیار خود کوشیدند موج بیداری اسلامی را از سوی کاخ‌های متزلزل خود به سمت کشور دیگری که همواره در طول دهه‌های گذشته از پایه‌های بنیادین محور مقاومت بوده است برگردانند تا با گذشت زمان اعتراضات در این کشورها به فراموشی سپرده شده و یک اتحاد هر چند سست این حلقه شیطانی را به هم متصل سازد تا حکومت آنها بر این کشورها پایدار بماند.

نوشتن درباره نقش قطر، عربستان و دیگر شیوخ ریز و درشت منطقه در تحولات سوریه مثنوی هفتاد من کاغذ می‌طلبد و در حوصله این نوشتار

نیست. هر چند زبان ادبیات و شعر در توصیف مسائل سیاسی الکن است ولی چه زیبا احمد عزیزی نویسنده و شاعر انقلابی کشورمان حال سران عرب منطقه را در یکی از نوشته‌های خود توصیف می‌کند که «چه زیبا» احمد عزیزی «شاعر انقلابی که امروز در بستر بیماری به سر می‌برد وضع اعراب را به تصویر کشیده است: «اتحادیه‌ی عرب‌ها بر ضد یک‌دیگر فراوان است. اجتماع آن‌ها در مقابل هم به سهولت اتفاق می‌افتد. عرب‌ها از دهه‌ی اول قرن بیستم تاکنون هزاران پیمان بسته و میلیون‌ها عهد نامه شکسته‌اند. سران عرب هر شب در خیمه‌ی خواب‌های طلایی خود، خط کشی به دست می‌گیرند و با نقشه‌های جغرافیایی ور می‌روند»

«اعراب یک ملت قطعه قطعه شده و یک امت واحده‌ی کثیرند، شما در فیلم لورنس عربستان به خوبی قطعه قطعه شدن بلاد عرب را زیر چاقوی کمپانی هند شرقی می‌بینید ... عرب‌ها در تجاوز به مرزهای یک‌دیگر و در مبارزه با منافع مشترک، ید طولایی دارند. ممالک عربی اکنون در انضباط شدیدی که بی‌نظمی بر آن حکم فرما شده، دست و پا می‌زنند.»

آری! سران مرتجع در مبارزه با منافع مشترک ید طولایی دارند و چه کسی است که نداند بزرگترین دشمن اعراب و مسلمانان رژیم صهیونیستی است؟!

اقیانوس خاورمیانه و قلاب ماهیگیری غرب!

نوشتن در باره کمک‌های بی دریغ کشورهای غربی به تروریست‌های سوری نیز فرصت مجزایی می‌طلبد که نه موضوع این نوشتار است و نه در حوصله آن. تنها به این نکات اشاره می‌کنیم که جبهه غربی با به رسمیت شناختن معارضین سوری و یا همان تروریست‌های بین‌المللی به عنوان نمایندگان! ملت سوریه و نیز کمک‌های بی‌امان نظامی و مالی به این تروریست‌ها از اقیانوس خاورمیانه به دنبال صید شاه ماهی هستند، این شاه ماهی جز حذف محور مقاومت با مرکزیت ایران و حزب الله در منطقه نیست.

مثلث مقاومت در مقابل صلیب شکسته

اگر مبارزه با استیلا جویی رژیم صهیونیستی و حامیانش اضلاع مثلث مقاومت را به هم نزدیک کرده است اتحاد عنکبوتی تروریست‌ها و یا همان صلیب شکسته عبری، عربی و غربی را جز حذف محور مقاومت و نیز ابقای سران مرتجع منطقه به هم متصل نساخته است.

ایران و نقش آن در تحولات سوریه

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ رژیم صهیونیستی بزرگترین ضربه را متحمل شد، این ضربه آن سان شدید بود که اسرائیل تا مدت‌ها نتوانست از عوارض آن کمر راست کند، روابط استراتژیک شاه و رژیم نامشروع اسرائیل گویا تر از آنی بود که کسی آن را انکار کند، با پیروزی انقلاب ملل مظلوم منطقه از جمله مردم فلسطین روحیه گرفتند، سوریه نیز که با پیوستن مصر با رهبری انورسادات به حلقه دوستان غرب یکی از معدود محورهای مقاومت اصیل در منطقه محسوب می‌شد دوستی جدید برای خود پیدا کرده بود.

این اتحاد استراتژیک میان ایران و سوریه در طول دفاع مقدس نیز تداوم پیدا کرد، سوریه به رغم این که کشوری عربی محسوب می‌شد به صورت تمام قد از ایران در مقابل رژیم صدام دفاع کرد و در این میان طعن و لعن سران مرتجع منطقه را به جان خرید.

این ارتباط در طول سه دهه گذشته با قدرت ادامه داشته و دارد. با آغاز آشوب‌ها در سوریه که با کمک صلیب شکسته «عبری، عربی و غربی» از تروریست‌ها دامنه پیدا کرده است ایران به صورتی تمام قد از نظام سوریه در مقابل محور پیش گفته دفاع کرده است.

ایران همواره بر این اصل تکیه کرده است که سرنوشت سوریه را باید آرای ملت سوریه تعیین کند، بشار اسد رئیس جمهور قانونی سوریه تا سال ۲۰۱۴ بوده و در این سال رئیس جمهور بعدی با رای مردم انتخاب خواهد شد حال چه مردم سوریه بشار اسد را بار دیگر انتخاب کنند و یا نه، این به خود مردم

سوریه مربوط است .

استدلالی که دکتر حسن روحانی رئیس جمهور منتخب نیز در اولین کنفرانس خبری خود پس از پیروزی در انتخابات بر آن تاکید کرد تا همگان بدانند در سیاست‌های ایران تغییری ایجاد نشده است. سال گذشته نیز رهبر معظم انقلاب در دیدار با اردوغان نخست وزیر ترکیه بر این مسئله تاکید کردند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در خصوص اوضاع سوریه با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران قویاً با هر طرحی که آمریکاییها در ارتباط با مسایل سوریه مبدع آن باشند مخالف است، خاطر نشان کردند: جمهوری اسلامی ایران از سوریه به دلیل حمایت از خط مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی دفاع خواهد کرد و با هر گونه دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی سوریه به شدت مخالف است.

ایشان تاکید کردند: ما از اصلاحات در سوریه همواره حمایت می‌کنیم و اصلاحاتی که در سوریه شروع شده، باید ادامه یابد.

با گذشت نزدیک به سه سال از آغاز التهابات در سوریه دیگر بر همگان مشخص است که ایران یک پایه تحولات سوریه است و بدون ایران هیچ اتحادی قادر نیست که بحران موجود در این کشور را فیصله دهد و از این رو است که عربستان به عنوان یکی از حامیان اصلی تروریست‌ها از این محوریت ایران شدیداً عصبانی است، مسئولان سعودی که دستشان تا مرفق به خون بیگناهان در سوریه آلوده است می‌گویند مداخله ایران در سوریه غیر قابل تحمل و نیز غیر قابل قبول است!

از سوی دیگر نقش محوری ایران در سوریه و پیروزی‌های اخیر اسد آنچنان روشن است که آمریکا نیز با زبانی هر چند خشن و حاکی از عصبانیت به آن اذعان می‌کند.

بنا بر گزارش روزنامه‌ی الریاض، چاپ عربستان جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید می‌گوید: واضح است که نظام سوریه خود به تنهایی قادر به بازپس گیری مکانی مانند القصیر نبوده است و از این رو از حزب الله و ایران

برای انجام آن کمک گرفته است.

و طبیعی است در جایی که تروریست‌ها از کمک‌های بین‌المللی با محوریت صلیب شکسته برای ناآرامی در سوریه بهره می‌گیرند نظام قانونی اسد نیز از یاری دوستانش برخوردار باشد.

عراق یک ضلع محور مقاومت در کمک به سوریه

عراق از مدت‌ها پیش موضع خود را در قبال سوریه مشخص ساخته است، مقامات این کشور با پشت کردن به غرب و سران مرتجع عرب از نظام اسد در سوریه حمایت کرده و با این اقدام زمینه ساز انتقام‌گیری تروریست‌های مورد حمایت غرب از خود شدند.

«ستار الجابری» رئیس سابق و عضو مرکز مطالعات دانشگاه بغداد در این زمینه می‌گوید: حمایت دولت عراق از سوریه و اتخاذ مواضع مخالف با غرب و متحدانش به علت تعصب به مذهب یا قومیت خاص نیست بلکه به این علت چنین موضعی اتخاذ کرد که منطقه نیاز به آرامش و ثبات دارد. سوریه در زمان بحران در عراق در کنار این کشور ایستاد و میلیون‌ها پناهنده عراقی را پذیرفت. سوریه از جمله کشورهای حامی مقاومت در منطقه است که باید از این کشور حمایت کرد.

وی در ادامه با مرتبط دانستن افزایش خشونت‌ها در عراق با حوادث سوریه گفت: عراق برای مدتی شاهد کاهش خشونت‌ها بوده است اما پس از آنکه دولت این کشور در بحران سوریه جانب دولت این کشور را گرفت ما باز شاهد افزایش خشونت‌ها هستیم.

الجابری به حق تاکید می‌کند: بی‌تردید حمایت دولت عراق از نظام حاکم بر سوریه در افزایش خشونت‌ها تاثیر دارد. دولت عراق در مقابل همه طرح‌های غرب علیه کشور سوریه ایستاد، این مساله برای کشورهایی که در کنار آمریکا علیه سوریه قرار گرفته‌اند سنگین است و آنها نمی‌خواهند به راحتی از کنار آن بگذرند بنابراین آنها می‌خواهند عراق را مجازات کنند.

از این نکات که بگذریم سخن نوری مالکی نخست‌وزیر عراق مبنی بر این

که اجازه نخواهد داد هیچ گونه سلاحی وارد سوریه شود تروریست‌ها در سوریه را در مخمصه عجیبی قرار داده است. جالب است بدانیم که یکی از امیدهای اصلی تروریست‌ها در سوریه قاچاق سلاح از عراق به داخل سوریه است، امیدی که با قاطعیت نوری المالکی با یاس مواجه شده است.

و اما حزب الله ...

به جد می‌توان مدعی شد که حزب الله توانسته است معادلات در سوریه را تغییر دهد، با آزادسازی القصیر که نقش حزب الله به خوبی در آن نمایان است ورق در سوریه به نفع محور مقاومت برگشته و شکست‌های پی در پی نصیب صلیب شکسته شده است.

قصیر که در غرب سوریه واقع است، یکی از اولین شهرهایی است که توسط شورشیان سوریه در مارس ۲۰۱۱ اشغال شد. ارزش راهبردی این شهر که تنها ۱۰ کیلومتر با مرز لبنان فاصله دارد، در این مسئله است که یک دروازه راهبردی بین لبنان و سوریه برای تسلیح و تجهیز شورشیان محسوب می‌شود. آزادسازی پیروزمندانه قصیر به دست نیروهای تحت هدایت سوریه انرژی جدیدی به دولت اسد در مبارزه با شبه نظامیان تحت حمایت محور پیش گفته بخشید و همچنین نقش بالقوه حزب الله را در تغییر معادلات در جریان درگیری‌های خونبار سوریه نشان داد.

در نتیجه نقش محوری حزب الله در بیرون راندن شبه نظامیان از قصیر، شورای همکاری خلیج فارس که اعضای آن کشورهای دیکتاتوری متحد با غرب یعنی بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی هستند، اکنون به فکر این افتاده‌اند که جنبش مقاومت حزب الله را در «فهرست گروه‌های تروریستی» خود قرار دهند.

پیامدها

تحولات اخیر در سوریه دیگر به نفع جبهه عبری، عربی، غربی نیست،

پیروزی‌های برق آسای ارتش سوریه بر تروریست‌ها روند این تحولات را سرعت بخشیده و از سویی دیگر به نفع محور مقاومت رقم زده است. استعفا و یا در واقع برکناری حمد در قطر، بحران دامنه دار در ترکیه و آغاز تنش‌ها در مصر همه و همه از این تحولات سخن می‌گویند و خبر می‌دهند.

انتشار خبر برکناری حمد بن جاسم نخست وزیر قطر و جایگزینی ولیعهد به جای امیر حمد و افزایش بحران‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در ترکیه، مصر، اردن و لبنان و عربستان و... که حلقه‌های اجرای سناریو و برنامه‌های غربی در منطقه از طریق آنها دنبال می‌شود، نشانه‌های سونامی جدید در منطقه است.

سران مرتجع عربی و هم پیمانان عبری و غربی آنان که از جنگ سوریه، به جنگ ایران یاد می‌کنند، معتقدند، شکست در سوریه به معنای ثبت پیروزی راهبردی ایران در عرصه منطقه‌ای و پرچم داری منفرد و یگانه در مبارزه با صهیونیست‌ها و پروژه‌های غربی و ارتجاعی خواهد بود و از آنجا که سیستم‌های هم پیمان منطقه‌ای آنها، از آسیب پذیری جدی برخوردارند، سونامی منطقه‌ای و غیر قابل مدیریت و هولناکی را پیش بینی می‌کنند. عکس العمل‌های مقامات صهیونیستی، فرانسوی، انگلیسی و برخی سران ارتجاع عرب، در این چهارچوب قابل تفسیر است و اصرار و پافشاری آنها برای پیروزی در سوریه و یا جلوگیری از پیروزی سوریه و یا ایران در این بحران، به معنی تعیین کنندگی این تحولات است.^۱

^۱ رک روند تحولات پس از فتح القصیر، هادی محمدی، خبرگزاری فارس، ۲ تیر ۱۳۹۲، به نقل از

روابط و حقوق متقابل امام و امت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

علی مرادزاده

مقدمه

دو عبارت امام و امت، رهبری و مردم، هدایت کننده و هدایت شونده همواره در طول حیات بشر مطرح بوده و تحولات تاریخ ناشی از کنش و واکنش آنهاست. پیامبران و سفیران الهی با کتاب آسمانی خویش برای هدایت مردم آمدند بخشی از مردم فرمان آنها را لبیک گفته و به سعادت و کمال رسیدند و برخی با سرپیچی از پیام وحی راه سقوط و حیوانیت را پیمودند. امامان پیشوای هدایت علمی و رفتاری انسان بوده و مردم، امت او و ماموم بشمار می‌روند، برخی پایبند تبعیت و فرمانبری امام بوده و هزینه‌های این راه را تحمل کردند و نام و یاد خود را در تاریخ ماندگار ساختند و شمار زیادی از مردم مرعوب قدرتهای زمان یا فریفته ثروت و قدرت و شهرت گردیدند و مجذوب دنیا شدند و امام خود را تنها گذاشته و به دست درندگان سپردند تا به شهادت برسند و خود از قافله کمال و سعادت و قرب الهی بازماندند.



امیرالمؤمنین علی^(ع) در نامه خویش به مالک اشتر نقش امام نسبت به مردم را به خوبی بیان کردند: «جایه خراجها و جهاد عدوها، و استصلاح اهلها، و عماره بلادها: گردآوری مالیات‌های مردم، پیکار با دشمنان ملک و ملت، ساماندهی امور مردم، آبادکردن شهرها». (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

با این وجود در عصر غیبت نهضت‌های زیادی برای احیای اسلام و حقوق مردم صورت پذیرفت اما انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی^(ره) فصل نوینی در کتاب احیاء، اصلاح‌گری و انقلابی‌گری گشود و به شکل بسیار موزونی نقش اسلام و مردم، امام و امت، آسمان و زمین را عینیت بخشید و نوشتار حاضر رابطه رهبری و مردم را در نگاه امام خمینی^(ره) مورد اشاره قرار می‌دهد.

سطوح رابطه رهبری و مردم

۱- رابطه هدایت‌گری و راهبری:

رهبری تکلیف خود را هدایت مردم می‌داند و مردمی که خواهان هدایت شدن و رسیدن به کمال و سعادت معنوی هستند از او هدایت می‌پذیرند. راهبری و هدایت‌گری حق و تکلیف رهبران و هدایت شدن و پذیرش هدایت، حق و تکلیف مردم است. امام خمینی^(ره) خدا محوری را خاستگاه هدایت شمردند و مهمترین شاخصه‌ها و معیارهای آن را قیام لله، اخلاص در انگیزه، اخلاص در اندیشه، اخلاص در عمل و خدمت برای خدا دانستند. (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۲۶)

۲- رابطه فرماندهی و فرمانبری:

رهبری انقلاب فرمانده کل قوای کشور و فرمانده آحاد ملت است، اذن جهاد و دفاع می‌دهد و به تعبیر امام علی^(ع) در عهدنامه مالک اشتر از کیان کشور و ملت در برابر دشمن دفاع و جهاد می‌کند، مردم با فرمانبری و تبعیت‌پذیری، از یک‌سو کشور و سرنوشت خویش را حفظ می‌کنند، از سوی دیگر از ویرانی مملکت جلوگیری می‌کنند و علاوه بر آن تکلیف فرمانبری خود را به انجام می‌رسانند. براساس شرع و قانون اساسی، فرماندهی حق و

تکلیف رهبری و فرمانبری حق و تکلیف مردم است.

۳- رابطه خدمت و قدرشناسی:

براشاش آموزه‌های اسلامی و فرهنگ انقلاب اسلامی که در اندیشه سیاسی امام خمینی^(۵) تجلی یافته است، وظیفه رهبری خدمت به مردم است و تکلیف مردم قدرشناسی از او و حمایت و پشتیبانی از رهبری است، در مکتب سیاسی امام خمینی^(۵) رهبری یعنی خدمت و رهبر یعنی خادم و شعار "ما خدمتگزاریم" را تبدیل به گفتمان رایج کرد. (عباس شفیعی، سبک رهبری امام خمینی^(۵)، ص ۷۰)

۴- رابطه ولایت و امامت و امت:

رهبری ولی امر و امام مردم و اولی به تصرف نسبت به جان و مال آنهاست، به همین خاطر فرمان جهاد می‌دهد و کشته شدگان را شهید می‌داند و وعده بهشت و قرب الی‌الله می‌دهد، اعمال ولایت، تکلیف رهبری است. اگر از آن شانه خالی کند در پیشگاه الهی مورد سؤال قرار می‌گیرد و نسبت به جامعه مسئول است، تکلیف مردم ولایت‌پذیری است، اگر مردم از ولایت‌پذیری سرباز بزنند مانند صدر اسلام، امام کشی به راه می‌افتد و حق پایمال می‌گردد. امام راحل تأکید کردند: به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دوره حیات رسول اکرم^(ص) و زمان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب^(ع) لازم بود یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان و در زمان ما لازم است. (ولایت فقیه، ص ۳۰)

۵- رابطه پدر و فرزندی:

براساس حدیث شریف نبوی که فرمودند: «انا و علی ابواء هذه الامه» من و علی دو پدر امت اسلام هستیم، رهبری، پدر جامعه به شمار می‌رود. او امت را فرزندان خود می‌داند و از حقوق و منافع فرزندان خود به خوبی حفاظت و صیانت می‌کند. فرزند باید در همه حال به پدر احترام بگذارد، مکلف است حق پدر و رضایت او را جلب کند، رضایت پدر در حد رضایت خداست و افراد

یا امتی که عاق پدر شود روی سعادت و سلامت و پیشرفت نخواهد دید همان‌طور که مردم کوفه و شام هنوز هم آرامش به خود ندیده‌اند.

۶- رابطه رئیس و مرئوسی: رهبری رئیس مملکت است، عالی‌ترین مقام کشور بشمار می‌رود او رئیس مردم است و مردم باید حقوق رئیس خویش را مراعات کنند، امین او باشند، پشتیبان او باشند، مطابق دستور او عمل کنند. و رئیس نیز باید حقوق و منافع مادی و معنوی مرئوسین را تأمین کند به صلاح و منفعت آنها گام بردارد و مردم را مشاوران امین خود بداند.

۷- رابطه تمدن‌سازی:

امام خمینی^(ه) حرکت انقلابی خویش را برای حفاظت از فرهنگ و تمدن اسلام و ایران آغاز کرد و آن را مایه نجات کشور می‌داند. امام فرمودند: اگر فرهنگ و اجتماع ما اصلاح شود، مملکت خود به خود اصلاح می‌شود... شما یک تمدن و فرهنگ آزاد بوجود بیاورید و اگر نمی‌توانید، از راه کنار بکشید و بگذارید ما انجام دهیم، فرهنگ و تمدن باعث خوشبختی یا بدبختی یک ملت می‌شود، اگر در آن خرابی بوجود آید، در سایه فرهنگ غلط، یقیناً انسان‌های فاسد و خرابکار پرورش می‌یابند و اگر فرهنگ ما دست نخورده بماند انسان‌های نیک و صالح... (صحیفه امام، ج ۷، ص ۲). مردم برای احیای فرهنگ و تمدن اسلام وظیفه دارند پشتیبان رهبری باشند.

۸- رابطه عدالت ورزی:

رهبری و مردم هر دو خواستار اجرای عدالت و مبارزه با فقر و فساد و تبعیض‌اند اما در این وسط افراد و گروه‌های فرصت طلب و سود جو و قدرت‌طلب، اوضاع را آشفته می‌سازند، امام و رهبری مسیر عدالت ورزی و روش و ابزار تحقق آن را نشان می‌دهد و مردم به مبارزه در مسیر عدالت هستند در قرآن کریم تصریح شده است که ما پیامبران خود را با دلیل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و قانون نازل کردیم تا مردم عدالت را برپا دارند «لیقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵) امام خمینی^(ه) فرمودند: اسلام دین افراد

مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. (ولایت فقیه، ص ۱۰)

۹- رابطه دیده‌بانی:

رهبری و امام مسلمین دیده‌بان امین و هوشمند امت است. مردم برای سلامت و حفاظت از خویش باید به دیده‌بان خویش اعتماد داشته و هشدار و تذکر او را نصب‌العین قرار دهند، رهبری، دشمن و توطئه‌ها و ابزارها و شیوه‌های دشمنانه را به خوبی می‌شناسند و مردم را نسبت به آنها بیدار می‌سازند، مردم نباید دچار رخوت و سستی و اختلاف در تحلیل شوند، باید مطابق هشدارهای رهبری اقدام کنند و لحظه‌ای تردید روا ندارند.

۱۰- رابطه مستقیم:

امام خمینی^(۵) نهضت خویش را در ادامه نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی به پیروزی رسانید با این تفاوت ضعف‌های حرکت‌های پیشین را شناسایی و مرتفع ساخت و در حرکت انقلابی خود بر خلاف گذشته که به نفوذ در دربار و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها تمرکز داشته و یا به تحریک و ترغیب نخبگان اکتفا می‌کردند، این بار بطور مستقیم آحاد و اقشار و طیف‌های مردم را به صحنه‌ی انقلاب کشانید، بدین ترتیب واسطه‌ها بین رهبری و مردم از پیش روی برداشته شدند. مردم نیز رابطه مستقیم با رهبری را تا رحلت امام خمینی^(۶) همچنان در اولویت اول اهمیت داشته و حتی پس از رحلت آن حضرت نیز پیوند خود را با افکار و اندیشه‌ها و آرمان‌های امام راحل ثابت و استوار حفظ کرده‌اند و همچنان پشتیبان ولایت فقیه و انقلاب اسلامی و در رکاب رهبری معظم انقلاب هستند.

۱۱- معرفت افزایی و بصیرت افزایی:

امام و رهبری جامعه پیوسته معرفت و بینش مردم را ارتقاء می‌بخشد، مردم نیز بدون توجه به ابزارها و مراکز شبهه پراکنی دشمن، تنها معرفت خویش را از زلال اندیشه رهبری اخذ می‌نمایند. امام خمینی^(۷) فرمودند:

علمای هر ملتی ملت خودشان را آگاه کنند به نقشه‌هایی که اجانب و مستعمرین کشیده‌اند برای تفرقه‌اندازی. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۹۵)

۱۲- رابطه برادری و اخوت:

در گفتمان سیاسی امام خمینی^(ع)، رهبری یعنی برادری و در نظام امامت و امت، رهبر و مردم با هم برادرند و فرمودند: من و شما هر دو برادر هستیم و اصلاً صف واحد است. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۵۳)

حقوق رهبری

بدیهی است در قرآن و سنت معصوم^(ع) حقوق امام و امت حقوق متقابل و جاده دو طرفه است، از این‌رو حقوق زیادی برای رهبری در قبال مردم مطرح شده است و افکار و اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع) ترجمان وحی و تفسیر شریعت بشمار می‌رود و بازتاب مطالبی است که در معارف اسلامی تبیین شده است. برخی از مهمترین حقوق رهبری که باید از سوی مردم ادا گردد تا توفیق حاصل شود عبارتند از:

۱- اعتماد:

رهبری با ویژگی‌ها و معیارهای مطرح شده از سوی معصوم^(ع) صلاحیت و حق رهبری دارد مردم باید به او اعتماد کنند و در این راه هیچ گونه تردیدی به خود راه ندهند. عدم اعتماد مردم به رهبری نه تنها موجب شکست و توقف و ذلت خواهد شد، بلکه مستوجب عقاب نیز خواهد بود. بنابراین اعتمادسوزی و تحریک شکاف رهبری و مردم، گناهی بزرگ و خسارتی جبران ناپذیر و حرکتی دشمن شاد کن می‌باشد.

۲- اطاعت و پیروزی:

موفقیت رهبری و توفیق نظام در صورتی محقق خواهد شد که مردم از رهبری اطاعت کنند، حق رهبری مردم این است که فرمانش را ببرند و نسبت به اجرای تدابیرش اقدام عملی نکنند. در غیر این صورت حوادث تلخ صدر

اسلام تکرار خواهد شد که امام علی^(ع) در تبیین آن شرایطی فرمودند: «لا رأی لمن لایطاع» رهبری که اطاعت نشود کاری از پیش نمی‌برد.

۳- مشروعیت و اعتبار:

رهبری به تمامی ارکان کشور و قوانین موجود مشروعیت می‌بخشد حتی حکم ریاست جمهوری منتخب را نیز تنفیذ می‌کند این شانی است که اسلام به او داده است. اعتبار مسئولیت‌ها و اقدامات به تأیید رهبری است.

۴- ولایت و ریاست:

داشتن ولایت بر امور فردی و اجتماعی مردم و ولایت بر اداره کشور حق رهبری است او رئیس کشور و رئیس و رهبر مردم است همگان باید این حق را به رسمیت بشناسند و بدان تمکین نمایند. امام خمینی^(ع) با تأکید بر این مهم ولایت فقیه را ضد دیکتاتوری می‌دانند. (همان، ج ۱۰، ص ۳۱۰)

۵- نظارت عالی بر تمامی امور و شئون کشور

۶- تعیین سیاست‌های کلان کشور و چشم‌انداز بلند مدت و خط مشی

کلی نظام

۷- بسیج عمومی و تهییج مردم برای حضور در عرصه‌های

سرنوشت‌ساز: تأسیس بسیج مستضعفین در اوایل انقلاب و بسیج عمومی در دوران دفاع مقدس مهمترین گواه این حق است و مردم وظیفه دارند در فراخوان عمومی رهبری به میدان بیایند و به تکلیف خود عمل کنند.

۸- گفتمان سازی و الگو سازی:

امام خمینی^(ع) با رهبری بی‌نظیر خویش ملت ایران را در سطح از تأثیرگذاری قرار داد که الگوی مسلمانان و مستضعفان باشد و فرمودند: همت و شجاعت ملت ایران می‌تواند الگوی دیگر ملل قرار گیرد. (صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۷) ملت ایران می‌تواند به دلیل اتکای به خدا و دست کشیدن از قدرت‌های مادی و ... جریان بت‌شکنی را در دنیا رهبری کند. (همان، ج ۱۵،

حقوق مردم

مردم به موازات اینکه وظیفه دارند از رهبری اطاعت کنند به او اعتماد داشته باشند و از نظام سیاسی حمایت و پشتیبانی نمایند. دارای حقوقی هستند که رهبری و مسئولان نظام مکلف به ادای آن حقوق می‌باشند. نظام اسلامی جاده یکطرفه نیست که تنها یک طرف رهبری یا مردم بر دیگری حقوقی دارند که ادای آن حقوق موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی خواهد بود. در عبارت امام خمینی^(۵) واژه مردم ۱۲۱۲ مورد و واژه ملت ۱۵۲۳ مورد تکرار شده است. (اندیشه سیاسی امام خمینی، یحیی فوزی، ص ۱۴۲)

۱- اجرای عدالت:

عدالت جایگاه بسیار والایی در کتب آسمانی به‌ویژه مکتب حیات بخش قرآن کریم و اسلام عزیز دارد، در اندیشه امام خمینی^(۵) اجرای عدالت محوری‌ترین جهت گیری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در نظام اسلامی بشمار می‌رود. امام خمینی^(۵) برقراری عدالت را هدف ارسال پیامبران و نازل شدن کتب آسمانی می‌داند. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۱۳). عدالت را امری فطری و عقلانی می‌دانند و می‌فرمایند: قلب فطرتاً در مقابل قسمت عادلانه خاضع است و از جور فطرتاً گریزان و متنفر است. (همان، ج ۲، ص ۴۰۶) امام عدالت را ارزش برتر و تغییرناپذیر و شاخص حکومت اسلامی قلمداد نمود و تأکید می‌کند: ارزش‌ها در عالم دو قسم است یک قسم ارزش‌های معنوی از قبیل ارزش توحید و جهاد مربوط به الوهیت و از قبیل عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومت‌ها با ملت و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت‌ها ... که تغییر پذیر نیست. (همان، ج ۱۱، ص ۱). امام خمینی^(۵) اجرای عدالت را زمینه‌ساز توسعه معنوی و ایجاد محیط امن می‌دانند (همان، ج ۲۰، ص ۱۱۶)، آنرا تکلیفی انسانی و دینی برای همگان می‌دانند و تأکید دارند: ائمه و فقهای عادل موظفاند از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده

کنند. (همان، ۶ ص ۷۷) و باز تأکید می‌کنند: عدل اسلامی را مستقر کنید، با عدل اسلامی همه و همه در آزادی، استقلال و رفاه خواهند بود. (همان)

۲- استقلال:

امام خمینی^(۵) حفظ استقلال را حق ملت ایران می‌داند و تأکید می‌نماید: ملت ایران .. امید دارد دست اجانب را از جمیع ممالک اسلامی کوتاه کند و استقلال را به آنها برگرداند. (صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۵۰) استقلال به معنای رهایی و آزادی از حیطة حاکمیت و سلطه سیاسی متکبران بر ملت است. امام تصریح می‌کنند: اینکه جوانان ما می‌گویند نه شرق و نه غرب معنایش این است که هیچکدام در ایران دخالت نکنند و این کاملاً بجا و بحق است. (همان، ص ۱۱۴)

۳- آزادی:

آزادی حق مردم است، البته آزادی در چارچوب قوانین اسلام و قوانین اساسی و عادی جمهوری اسلامی مطلوب و مورد نظر است. آزادی به معنای بدست گرفتن سرنوشت سیاسی خود. آزادی از شعارهای اصلی مردم در پیروزی انقلاب اسلامی بوده و همچنان بر آن پافشاری دارند، امام تأکید دارند: هیچ فردی حق ندارد انسانی یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند (همان، ج ۵، ص ۳۸۷)

در عین حال یادآوری می‌کند که معنای آزادی این نیست که کسی بخواهد توطئه کند، در توطئه هم آزاد است، نه. در توطئه آزاد نیست، یا حرف‌هایی بزند که شکست ملت است، شکست نهضت است، این آزادی نیست، در چهارچوب این نهضت انقلاب اسلامی همه مردم آزاد هستند (همان، ج ۱۲، ص ۳۲۴). باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است، تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات، بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه مسلمانان جلوگیری از آنها

واجب است. (همان، ج ۲۱، ص ۴۳۵).

۴-امنیت:

امنیت مهمترین نیاز کشور و مطالبه اساسی مردم است و حق همگانی است، امام خمینی^(ه) با اذعان این مهم تصریح کردند: برای حفظ مملکت اسلامی دفاع باید بکنیم... دفاع از کشور مسلمین یکی از واجبات است. (همان، ج ۱۵، ص ۱۱۷) امام خمینی^(ه) و مسئولان کشور در دوران بحرانی اوایل انقلاب برای ناامنی و بی ثباتی سیاسی گروههای ضد انقلاب ایستادگی کردند و دوران ۸ سال دفاع مقدس را مدیریت کردند تا امنیت و آرامش بر کشور حکمفرما باشد و مردم احساس ناامنی نکنند و هیچ کشوری به خود اجازه تجاوز به ایران را ندهد.

۵-خدمت رسانی:

در اندیشه سیاسی امام، مهمترین وظیفه مسئولان نظام و رهبری که حق مردم بشمار می رود، خدمت رسانی به مردم است، امام راحل فرمودند: هر چه صاحب منصب ارشد باشد باید بیشتر خدمتگزار باشد مردم بفهمند که هر درجه ای که بالا می رود با مردم متواضع تر می شود... کاری کنید که دل مردم را بدست بیاورید، پایگاه پیدا کنید در بین مردم، وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است، ملت از شما راضی است، قدرت در دست شما باقی می ماند و مردم هم پشتیبان شمایند. (همان، ج ۷، ص ۵۱۱)

۶-انتخابات و حق تعیین سرنوشت:

نظام جمهوری اقتدار دارد که بطور متوسط هر سال یک انتخابات برگزار کرده و تمامی مسئولان کشور بطور مستقیم یا غیر مستقیم از سوی مردم انتخاب می شوند. امام خمینی^(ه) تأکید دارند: از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشند، طبیعی است که چون ملت ایران بیش از نود درصد مسلمانان اند، باید حکومت بر پایه موازین و قاعده اسلامی بنا شود. (همان، ج ۴، ص ۳۶۷)، ما

تابع آرای ملت هستیم، ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم، ما حق نداریم ... به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم. (همان، ج ۱۱، ص ۳۴)

۷- امر به معروف و نهی از منکر:

اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر حق و تکلیف مردم است و امام آنرا بر همه مسلمانها واجب می‌داند و از سوی دیگر به مسئولان تکلیف می‌کنند که تذکرات مردم را جدی بگیرند، امام در این زمینه با صراحت تأکید می‌فرماید: همه و همه موظف‌اند که نظارت کنند بر این امور ... اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. (همان، ج ۶، ص ۸۰)

۸- تعلیم و تربیت:

از جمله حقوق مردم کسب تعلیم و تربیت صحیح است، بر اساس اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره) این مهم در قانون اساسی تصریح شده است و آنرا وظیفه نظام اسلامی دانسته است.

۹- مشارکت و مشورت:

مشارکت در تمامی صحنه‌ها کشور و طرف مشورت قرار گرفتن از حقوق مردم است، امام می‌فرماید: بدون مردم نمی‌شود کارکرد و موفقیت حاصل نمی‌شود. (همان، ج ۱۶، ص ۴۹۱) امام همواره به اهمیت نقش مردم در موفقیت حکومت و کارآیی و کارآمدی آن پرداخته‌اند و موفقیت حکومت را بدون ملت ناممکن دانسته است. مشارکت در نگاه امام خمینی^(ره) هم حق است و هم تکلیف و مسئولیت، چون حق مردم است، مردم نسبت به تحقق آن مکلف هستند چه هر حقی منوط به تحقق تکلیفی است و هر تکلیفی منوط به وجود حقی (همان، ج ۴، ص ۷۲)

عرصه‌های مشارکت مردم فراوان هستند نظیر انتخابات و همه پرسی‌ها، حفاظت و پاسداری از نظام سیاسی و جامعه و حکومت، یاری در جهت حل

مشکلات حکومت و نظام سیاسی، نظارت بر حکومت و نهادهای آن و برخورد با خطاها و تخلفات و امر به معروف و نهی از منکر، تحقق اهداف و ارزشها و محتوای اساسی حکومت اسلامی، تعالی بخشیدن به اسلام و تحقق مقاصد آن، مقابله و برخورد با نفوذ و تهاجم بیگانگان آنها، خدمت به هموعان (سایر مردم)، یاری مستضعفان در سرتاسر جهان به ویژه جهان اسلام، پیشنهادهای انتقادهای سازنده از مسئولان امور جامعه، مشارکتهای اقتصادی در جهت پیشبرد امور جامعه. امام راحل تأکید می کنند: اکنون که بحمدلله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۰)



آشنایی با مفاهیم سیاسی

۱- افکار عمومی

افکار عمومی از مهمترین مفاهیم اجتماعی و سیاسی است که در عرصه نظری و رفتار اجتماعی بر سرنوشت جامعه تأثیر بسزایی دارد. افکار عمومی درباره موضوعات خاص و مجموعه عقاید همه افراد در یک جامعه معین بحث می‌کند. اغلب آنرا قضاوتی جمعی در خارج از حیطه دولت و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری سیاسی می‌دانند. سنت‌های اجتماعی و شیوه‌های رفتاری جامعه را با این واژه می‌توان شناخت، چنین مفهومی با عباراتی چون خواست و اراده عمومی و شعور عمومی نیز مترادف است و ریشه آن به قرن ۱۸ یعنی حدود سالهای ۱۷۴۴ باز می‌گردد.

عقاید، سنت‌ها و آگاهی‌های مردم ممکن است از ناحیه حکومت و ابزارهای دولتی شکل گرفته باشد و یا در محیط اجتماعی و به دور از چشم حکومت و غالباً در سایه غفلت دولتمردان صورت‌بندی شده باشد، مانند آنچه در ورزشگاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، رستوران‌ها، سینماها، معابر

عمومی و پارک‌ها، اماکن تفریحی و سیاحتی و زیارتی، در ایام و مراسم‌های شادی و غم، در ایام مذهبی، آموزشگاه‌ها و... مطرح و مطابق آنها رفتار می‌شود و به تدریج تبدیل به فرهنگ و هنجاری‌گرد، واژه افکار عمومی آن را بازتاب می‌دهد. این‌گونه موارد ممکن است صحیح یا ناصحیح، صادق یا کاذب، مفید یا مضر باشد، در عین حال به عنوان یک واقعیت اجتماعی باید بدان توجه کرد. افکار عمومی به شکل دهی رفتار اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود. از سوی دیگر افکار عمومی ممکن است بر آنچه شخص گمان می‌کند درست است مبتنی باشد و نه آنچه واقعاً درست است.

افکار عمومی را می‌توان به چهار گروه تقسیم‌بندی کرد:

۱- عقاید کارشناسی

۲- عقاید آگاهانه

۳- عقاید تأثیرپذیرفته

۴- افکار عمومی بطور کلی

افکار عمومی چهار ویژگی اصلی دارد:

جهت، شدت، برجستگی، همسازی.

۱- جهت:

به این معنا که افکار عمومی معمولاً به دو یا چند دیدگاه کاملاً جدا تقسیم می‌شود.

۲- شدت:

برخی افراد و گروه‌ها احساس شدید و تعصب زایدالوصفی در مورد برخی مسائل دارند، اینکه مهمترین مسئله روز کدام است؟ ممکن است از نگاه هر طیف از جامعه متفاوت باشد.

۳- برجستگی:

برجستگی به اهمیت نسبی عقایدی که یک فرد یا گروهی از افراد دارند

مربوط می‌شود.

۴- همسازی:

همسازی به رابطه بین عقاید و نظرات مربوط می‌شود. ممکن است افکار و عقاید افراد با یکدیگر همساز باشد یا نباشد. پدید آمدن ایدئولوژی‌های جدید از اینجا ناشی می‌شود. هرگاه عقیده و فکر به رفتار تبدیل شود امکان ناهمسازی افزایش می‌یابد.

در نظام‌های مردم‌سالار همواره سیاستمداران و دولتمردان مغرور و خودشیفته و جریان‌های تمامیت‌خواه رغبتی به کشف و شناسایی و ترتیت اثر دادن به افکار عمومی و جهت‌گیری و خواسته‌های آن نمی‌دهند، آنان افکار عمومی را آن‌گونه که مطلوبشان است و در جهت منافع خودشان است تصویر و فرض می‌کنند، نه آن‌گونه که هست. چنین افرادی در آزمون انتخاب‌های مردمی کمتر قادر به کسب پیروزی خواهند شد. بنابراین شناخت و تجزیه و تحلیل افکار عمومی تنها در صورتی واقع‌بینانه و صحیح می‌باشد که باید با ادبیات و استانداردهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، علوم سیاسی، تاریخ، ارتباطات و... مورد بررسی قرار گیرد و پیمایش‌های علمی بی‌طرفانه صورت پذیرد تا بتوان نتایج آماری بدست آمده را به کل جامعه تعمیم داد.

تا اواسط قرن ۱۹ عمده مطالب نوشته شده درباره افکار عمومی ماهیتی هنجاری و فلسفی داشتند و بیشتر شامل مطالعات در تئوری سیاسی بودند تا مطالعات مربوط به خود افکار عمومی، اما بعدها به منزله صدای طبقه متوسط روشنگر و حفاظی در مقابل بی‌قانونی و نیز به مثابه نماینده پیشرفت ملاحظه گردید. در پایان قرن ۱۹، نویسندگان، فریفته نیروی تازه افکار عمومی در جامعه و تأثیر آن بر تحولات و تغییرات شدند. در قرن ۲۰ به شکل روشن‌تری با علایق جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه به بررسی افکار عمومی پرداخته شد به جای علایق سیاسی و فلسفی، و اینک از مهمترین پدیده‌های سیاسی و

اجتماعی قلمداد می‌گردد که گاهی در زیر پوست شهرها متفاوت از آنچه حکومت‌ها می‌خواهند جامعه را دستخوش تغییر می‌سازد. یک محقق افکار عمومی حداقل هفت سؤال مفهومی عمده را دنبال می‌کند:

۱- افکار مشاهده شده به طور دقیق درباره چه هستند؟ افکار به چه مواردی توجه دارند؟

۲- شقوق جایگزینی که پاسخ را شکل می‌دهند و یا محدود می‌سازند، چه هستند؟

۳- پاسخ‌ها تا چه حد حساب شده و مهم هستند؟

۴- چگونه این افکار سازمان یافته است و در صورت فقدان سازمان، چگونه می‌توان آن را با سایر دیدگاه‌ها سازمان داد؟

۵- این افکار با چه شدت و میزانی از اطمینان مورد پذیرش است؟

۶- آنها در یک کنش سیاسی متعهدانه چه فرصت‌هایی را به وجود می‌آورند؟

۷- این افکار در کدام بافت قابل تصور اجتماعی شکل می‌گیرند و بیان می‌شوند؟

در مجموع می‌توان گفت افکار عمومی عکس‌العمل بخش قابل توجهی از جامعه است در برابر حوادثی که برای جامعه رخ می‌دهد. بیشتر ناشی از احساس است تا استدلال، تفکر عمومی گروه‌های مختلف جامعه نسبت به امری خاص است که به صورت واکنش مثبت یا منفی خود را نشان می‌دهد. افکار عمومی نسبت به پدیده‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارای جلوه‌های مثبت یا منفی است که گاهی با ابزار و وسایل ارتباط جمعی منعکس می‌شود و گاه انعکاس نمی‌یابد.

۲- مفهوم طبقه متوسط جامعه

به‌طور طبیعی افراد جامعه به تناسب موضوعات مختلف دستخوش

تقسیم‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌های گوناگونی می‌گردند یکی از این دسته‌بندی‌ها، تقسیم مردم بر اساس سطح درآمد و برخورداری از امکانات و فرصت‌های شغلی و اقتصادی است که بر این اساس آحاد جامعه در سه سطح بالا و ثروتمند، متوسط و پائین قرار می‌گیرند.

طبقه بالا، ثروتمند و مرفه خرید کالاهای مصرفی گران‌قیمت را به انحصار خود در می‌آورند، فرصت‌های انحصاری فروش کالا را در دست دارند، امکان جمع‌آوری ثروت و پس‌انداز آن و سرمایه‌گذاری اموال را در دست خود نگه می‌دارند و از امتیازات مفید اجتماعی و آموزشی برخوردارند.

طبقه متوسط تعداد قشرهای مزدبگیر غیرکارگر و کاهش تعداد مالکین سرمایه‌دار در دنیای کنونی سبب تشابه بیش از پیش شرایط اقتصادی و اجتماعی گردیده و اختلافات کنونی میان گروه‌های مختلف بیش از پیش معلول قدرت و اعتبار اجتماعی مشاغل است و نه میزان درآمد و پس‌انداز و انحصار تولید و صنعت. این طبقه به نوبه خود در سه سطح طبق متوسط پائین، طبقه متوسط بالا و طبقه متوسط جدید قابل بررسی است.

اعضای طبقه متوسط بالا از دارندگان مشاغل آزاد، پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری و کارمندان عالی رتبه تشکیل شده‌اند. این اشخاص مستقیماً پست‌های کلیدی را اشغال نکرده‌اند اما به اندازه کافی به صاحبان قدرت نزدیک هستند و از ناحیه آن درآمدی بالا دارند.

اعضای طبقه متوسط پائین از حیث شغلی و مالی شبیه طبقه متوسط بالا هستند با این تفاوت که از تحصیلات لازم و کافی برخوردار نیستند آنان تحصیلات نسبتاً دبیرستانی دارند و درآمد کمتری دارند، به مشاغل نیمه تخصصی در ادارات و شرکت‌ها اشتغال دارند و یا به کارهای دستی تخصصی می‌پردازند، اینان برای محترم شمرده شدن از نظر دیگران و برای امنیت، اهمیت زیادی قائل هستند.

طبقه متوسط جدید در میان ثروتمندان و فقیران طبقه خاصی را کسب کرده و با هر دو آنها مخالفند.

« پاسخ به سؤالات سیاسی »

۶

۱- علل شکست کاندیداهای اصولگرا در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری چه بوده است؟

هر چند تحلیل‌ها و اظهارنظر پیرامون نتایج انتخابات و چگونگی شکل‌گیری حماسه سیاسی هنوز داغ و با حرارت دنبال می‌شود و برخی جریان‌های سیاسی سعی دارند پیروزی رئیس‌جمهور منتخب را مصادره به مطلوب کرده و مدام بر طبل اصلاح طلب بودن آقای روحانی می‌دمند در مقابل برخی از معتقدند گفتمان یا جریان اصولگرا شکست نخورده است. بلکه رئیس‌جمهور منتخب نیز با توسل به شعارهایی با ماهیت اصولگرایی به پیروزی دست یافته است. چرا که گفتمان اصولگرایی باوری درونی شده و قاطبه جامعه هنوز به این گفتمان اعتقاد قلبی دارند زیرا که مردم خواستار اجرای احکام اسلام مانند عدالت اجتماعی و اقتصادی در تمام سطوح جامعه، رسیدگی به امور فقرا و مستضعفین، تبعیت کامل از ولی فقیه هستند که بایستی به صورت دقیق در عرصه اجرایی کشور پیاده

پرسش و پاسخ

شود و مسئولان با این رویکرد کشور را اداره کنند.

به عبارتی این همان آرمانی است که نظام اسلامی برای اداره جامعه ارائه کرده است و اصولگرایان هم به آن اعتقاد کامل دارند و در همان مسیر حرکت می‌کنند بنابراین اصولگرایی چیزی جز گفتمان انقلاب اسلامی نیست و نباید جدا از آن تعریف شود. در رقابت‌های انتخاباتی نامزدهای اصولگرا به درستی نتوانستند گفتمان اصولگرایی را تئوریزه و پیاده کنند و برعکس تصویری ناقص از اهداف این گفتمان ارائه شد در نتیجه نباید عدم موفقیت کاندیدای اصولگرا را به کلیت جریان اصولگرایی تعمیم داد.

۲- ارزیابی شما از تجمیع انتخابات شوراهای اسلامی با ریاست

جمهوری چگونه است؟

هم زمانی انتخابات ریاست جمهوری و شورای اسلامی شهر و روستا که برای نخستین بار در کشور تجربه شد، جدا از برخی مزایای، معایب زیادی نیز در پی داشت، تحت‌الشعاع قرار گرفتن انتخابات شورای شهر و استقبال سرد رسانه‌ها بخصوص رسانه ملی از انتخابات شورای از جمله آن است. همچنین با تجمیع انتخابات از مرحله ثبت نام تا بررسی و تأیید صلاحیت‌ها نامزدهای شورای شهر و روستا خلاء جدی وجود داشت. از دیگر معایب تجمیع عدم توازن و سایه افکندن انتخابات ریاست جمهوری بر انتخابات شوراهای شهر و روستا است. بنابراین برگزاری مستقل انتخابات شوراهای ضرورتی آشکار است. و به نظر می‌رسد دولت یازدهم و در مجلس شورای اسلامی بایستی با تشکیل کمیته‌ای راهکارهای بازنگری در مصوبه تجمیع انتخابات شورای شهر و روستاها با ریاست را بررسی و اقدام نمایند.

۳- به نظر شما مواضع و عملکرد دولت یازدهم با توجه به اینکه

اصلاح طلبان در صدد مصادره آن هستند چگونه خواهد بود؟

آنچه را که در سوابق آقای روحانی تا کنون مشاهده شده است، چه در

ایام رقابت‌های انتخاباتی و شعارها و حتی بعد از پیروزی در انتخابات در جریان برگزاری کنفرانس خبری با رسانه و یا همایش افق رسانه بیانگر آن است که نمی‌خواهد خود را وامدار هیچ حزب و جریانی بکند.

از سوی دیگر شخصیت ایشان از منظر تکنوکراسی شبیه کارگزاران است و اصلاح طلب محسوب نمی‌شود، زیرا آقای روحانی زمانی که وارد رقابت‌های سیاسی شد نه خود را اصلاح طلب معرفی کرد و نه کاندیدای اصلاح‌طلبان بود. بلکه اصلاح‌طلبان قصد استفاده ابزاری از ایشان فقط به عنوان دستاویزی برای ادامه حیات خود هستند.

و علل پیروزی ایشان این است که آقای روحانی زمانی وارد عرصه شد که جامعه از دعوای و رقابت درون گفتمانی اصولگرایان خسته و از اصلاح‌طلبان نیز ناامید بودند. آقای روحانی با سوار بر موج مسائل مبتلابه جامعه مثل مشکلات معیشتی و اتخاذ رویکردی اعتدالی پیروز شد. بنابراین پیروزی او می‌تواند منشأ تحولاتی مثبت باشد. اما نگرانی‌هایی نیز به دلیل عدم تعادل وی و فشارهای افراطیون وجود دارد. به عبارتی برخی از افراطیون اصلاح‌طلب به دنبال مصادره ایشان به نفع خودشان هستند همان‌گونه که جریان انحرافی در دولت آقای احمدی‌نژاد را به نفع خویش مصادره کرد.

۴- تحولات اخیر در ترکیه را چگونه ارزیابی می‌کنید آیا سقوط

اسلامگرایان به نفع جمهوری اسلامی ایران است؟

بررسی میدانی تحولات اخیر ترکیه حاکی از آن است که ترکیه از مدتها پیش آستان این تحولات بود و مخالفین و منتقدین مترصد چنین فرصتی برای به چالش کشاندن سیاست‌های دولت آقای اردوغان طی ۷ سال اخیر بود. اگر چه دولت اردوغان در پیشبرد موضوعات اقتصادی ترکیه موفق عمل کرد و توانست رشد ۶ درصدی را در اوج بحران اقتصادی اروپا رقم بزند. اما نتوانست به ادعاهای متضاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... پاسخ دهد و

همین بی‌توجهی به مطالبات گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، همه مخالفین دولت اردوغان را زیر یک خیمه واحد جمع کرد که کمتر قابل پیش‌بینی بود.

به نظر می‌رسد غربی‌ها به دنبال استفاده از فضای به وجود آمده بر علیه اسلامگرایان و ناکارآمد جلوه دادن آنان هستند با انتقاد از سیاست‌های حقوق بشری، از جریان‌های غرب‌گرا و لائیک حمایت می‌کنند.

بنابراین تحولات اخیر ترکیه از نظر تاکتیکی به نفع جمهوری اسلامی ایران می‌باشد چرا که در این تحولات غرور و تکبر پوشالی اردوغان به خصوص در تحولات سوریه تضعیف می‌شود. اما در اهداف راهبردی سقوط دولت اردوغان برخلاف منافع نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد چرا که بیشترین روابط ج.ا.ا از ابتدای شکل‌گیری تا کنون با دولت ترکیه، مربوط به دوران روی کار آمدن اسلامگرایان و دولت اردوغان بوده است. لذا در برخورد با حوادث ترکیه باید شتاب زده عمل نکنیم زیرا برکناری اردوغان از قدرت و ناکارآمد جلوه دادن اسلامگرایان هدف اصلی معارضان و حامیان غربی آنها می‌باشند. پس ج.ا.ا می‌تواند با اتخاذ سیاست مستقل همراه با تدبیر ضمن توجه به مطالبات به حق خود مردم از اردوغان، تلاش کند از سقوط و ضربه خوردن اسلام‌گرایان جلوگیری نماید.

۵- به نظر شما علل انتقال قدرت در قطر چه بوده است؟

موضوع انتقال قدرت در قطر از دو بعد داخلی و خارجی قابل ارزیابی است. همانگونه که می‌دانید شیخ حمد در کودتای ۲۷ ژوئن ۱۹۹۵ با کنار زدن پدر خود، حمد بن خلیفه آل ثانی، همکاری نزدیک با شیخ حمد بن جاسم آل خلیفه داشت هر چند در ابتدای امر به عنوان ولیعهد معرفی شد اما بعدها حاضر به انصراف از این مقام به شرط ماندن در قدرت شد.

شیخ حمد بن جاسم در ۱۸ سال گذشته یکی از افراد با نفوذ در قطر بود و تحولات اخیر در کشورهای عربی مجال ایجاد کرد تا خود را دیپلماتی فعال

نشان دهد و در اجلاس‌های دوحه، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و حتی شورای امنیت حضور چشمگیری داشت. سوابق و حضور فعال او در محافل دیپلماتیک از یک سو و جنگ درونی قدرت به خصوص اختلافات او با همسر دوم حمد بن خلیفه و پسرش تمیم بن حمد ولیعهد باعث شد تا نگرانی‌هایی برای آینده تمیم بن حمد ایجاد شود و حمد بن خلیفه باید در یک انتقال قدرت زمینه را برای حذف کامل "حمد بن جاسم" را فراهم می‌کرد که همزمان پست نخست‌وزیری و وزارت خارجه امور خارجه را به عهده داشت. انتقال قدرت به "تمیم بن حمد" راه حل این مشکل بود.

از بعد خارجی این انتقال قدرت لازم بود چرا که قطر به عنوان مهره آمریکا در شطرنج سیاسی فعلی جهان عرب مأموریت‌های جدیدی بر عهده دارد که باید با یک تیم جدید این مأموریت را انجام دهد.

آرایش جدید در نیروهای اخوان المسلمین، دوری از تحرکات سلفی و به خصوص تکفیری به همراه تغییر تاکتیک‌های آمریکا در کشورهای عربی از جمله سرخط‌های اصلی این مأموریت‌ها به شمار می‌رود که با تیم گذشته قطر و نقش حمد بن جاسم در آن هم‌خوانی نداشت از سوی دیگر کارنامه چند سال اخیر تمیم بن حمد نشان از هم‌گامی او با این سرخط‌هاست. در هر صورت تمیم بن حمد امیر جدید در این انتقال قدرت هم چهره‌ای تازه به هرم قدرت در قطر می‌دهد همچنین با مأموریت‌های جدید هماهنگ‌های لازم را ایجاد می‌کند.

۶- به نظر شما سقوط دولت مصر به نفع چه جریان‌هایی خواهد بود
 صحنه گردان، عوامل اصلی و پشت پرده تحولات اخیر مصر چه کسانی هستند؟ محمد مرسى در یک سال اخیر در دوحه داخلی و خارجی به شدت دچار اشتباه محاسباتی شد. الف) در حوزه داخلی به جای رویکرد به توده‌های مردمی و طبقات اجتماعی به سلفی‌ها روی آورد. در حوزه خارجی نیز حاضر به کنار گذاشتن همگرایی با غرب و صهیونیست‌ها نشد و

این دو رویکرد سبب تضعیف پایگاه اجتماعی مرسی و تحولات اخیر را رقم زد. اما بررسی مواضع مخالفان محمد مرسی و در راس آن جنبش موسوم به "تمرد" که توسط افرادی چون البرادعی و عمرموسی رهبری می‌شود بیانگر این حقیقت است که عیلرغم شکل‌گیری جبهه واحد علیه مرسی برنامه مدون و مشخصی برای حل بحران مصر ندارند و تنها نقطه مشترک آنها کنار زدن محمد مرسی از قدرت است. با کنار رفتن مرسی هیچ الزامی برای حفظ وحدت میان آنها وجود نخواهد داشت.

اما نکته حائز اهمیت در بررسی دقیق و رصد نقش بازیگران اصلی و پشت صحنه این حوادث یعنی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها می‌باشند. آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند از یک‌سو با سرنگونی دولت مرسی چهره اخوانی‌ها را در اداره جامعه مصر ناکارآمد و ناموفق جلوه دهند چرا که تخریب چهره اخوان المسلمین سبب به حاشیه رانده شدن آنها می‌شود یعنی همان موضوعی که در کشورهای تونس، لیبی، اردن و... اتفاق افتاد. از سوی دیگر با ایجاد تقابل مردمی در مصر در صدد معرفی الگوی غربی برای نجات مصر هستند که نتیجه آن بازگشت به دوران حاکمیت حسنی مبارک خواهد بود.

بازیگر دوم رژیم صهیونیستی است. اشغالگران صهیونیستی که با سقوط رژیم مبارک یکی از متحدین کلیدی خود را از دست داده‌اند خلا ناشی از متحد استراتژیک خود را تنها در تجزیه و تقسیم مصر جستجو می‌کنند. بنابراین تحولات مصر در صورت تداوم برای مخالفان چیزی جز بازی باخت - باخت نخواهد بود و بالعکس نتیجه بازی را به نفع رژیم صهیونیستی و هواداران رژیم سابق رقم خواهد زد.

امام فامنه ای (مدظله العالی) :

ماه رمضان
با روزداشت، با ذکر
و دعا و ثنای الهی در آن،
با تلاوت قرآن، با حسنات
فراوان دیگر که انسان مؤمن
از آن برخوردار میشود،
دل را نورانی میکند.



۱۳۵۷

نمایندگی ولی فقیه در سازمان پیچ مستغنین

معاونت سیاسی